

برای تحقق
دولت جوان
حزب الهی
چه کنیم؟

گفتاری از
محمد صادق شهبازی

برای تحقق دولت جوان حزب الهی چه کنیم؟

نقش جوانان در تحقق
دولت جوان حزب الهی



«نقش جوانان در تحقق

دولت جوان حزب‌اللهی»، موضوع

یکی از نشست‌های چهارمین دوره

معرفتی‌تشکیلاتی «اسلام‌ناب» بود که با ارائه

محمدصادق شهبازی برگزار شد. شهبازی، نویسنده

ویژو و هشگر علوم اجتماعی، تاکنون کتاب‌های «تشکل

دهه پیشرفت» و «سبک زندگی انقلابی» را نوشته و

منتشر کرده است. او همچنین کتاب‌های «خودسازی

و جامعه‌سازی»، «جای ما در مقابله با سلطه و نفوذ

کجاست؟»، «انسان انقلاب اسلامی»، «رابطه امام و امت»،

«آزادی خواهی و آزاداندیشی» و «استعدادسنجی شغلی و

علمی» را در دست انتشار دارد. این جزوه، گفتاری است

برگرفته از سخنرانی یادشده که توسط روابط عمومی

دوره «اسلام‌ناب» پیاده‌سازی و ویراستاری شده

است. برای مطالعه توضیح‌های تکمیلی و

همچنین برای اطلاع از منابع این گفتار،

می‌توانید به پی‌نوشت‌های پایان

جزوه مراجعه کنید.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ارتباط میان مبانی و عملکردهای ما قطع است

یکی از مهم‌ترین مشکل‌هایی که ما به‌عنوان جوانان حزب‌اللهی و انقلابی داریم، این است که ارتباط میان مبانی و عملکردهای ما در واقعیت قطع است. امام‌خمینی (سلام‌الله‌علیه) می‌فرماید علم اخلاق، فقه، عرفان و حتی توحید، اگر ثمرهٔ عملی نداشته باشد، حجاب است.^۱ یکی از همین ویژگی‌هایی که به‌خصوص در نسل سوم و چهارم انقلاب وجود دارد، این است که ما عادت کرده‌ایم مدام معارف بشنویم، ولی خروجی نداشته باشیم؛ یعنی معمولاً به عرصهٔ عمل نمی‌رسیم. به همین دلیل این معارف، به چیزی انتزاعی و دور از واقعیت تبدیل می‌شود و در نهایت، اشخاص و آدم‌هایی در ظاهر حزب‌اللهی ولی در باطن سکولار ایجاد می‌شوند که ارتباط میان نظر و عمل‌شان قطع است.

وقتی بر اساس سنت‌های الهی عمل نمی‌کنیم، چگونه منتظر پیروزی هستیم؟

رهبر انقلاب در کتاب «طرح کلی اندیشهٔ اسلامی در قرآن» می‌گویند: «روح توحید، نفی عبودیت غیرخدا» است؛^۲ یعنی لازمهٔ توحید، مبارزه با طواغیتی است که می‌خواهند انسان‌ها را به پیروی از خویش بکشانند. ما این مبانی را داریم؛ اما آن‌ها را به نمود عینی و عملی در واقعیت نمی‌رسانیم. در نتیجه در فضای سیاست، به‌شکل عرفی، سکولار^۳ و بی‌مبنا عمل می‌کنیم. در هر جمعی که می‌نشینیم، از تحلیل‌های سیاسی دربارهٔ انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی می‌پرسند؛ اما در اینجا

دیگر سنت‌های الهی و مبانی دینی‌مان را پاسخ‌گو نمی‌دانیم! وقتی تحلیل انقلابی و دینی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی نداریم، شکست می‌خوریم.

امیر مؤمنان (علیه‌السلام) در نامه ۴۸ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «لَا تَرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَاكٌ»؛ یعنی «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید؛ پس بدهای شما به شما ولایت پیدا می‌کند». امام صادق (علیه‌السلام) همین معنا را این‌گونه می‌فرماید: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خُلُقَانِ مِنْ خُلُقِ اللَّهِ فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ»؛ یعنی «امر به معروف و نهی از منکر دو خوی از خوی‌های الهی هستند؛ پس هر کس آن‌ها را یاری کند، خداوند عزیزش می‌کند و هر کس آن‌ها را خوار کند، خداوند خوارش می‌کند».^۴

همچنین امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در عُرُرِ الْحَكَمِ می‌فرماید:
 - «يَسْتَدَلُّ عَلَى إِذْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعِ تَصْيِيحِ الْأُصُولِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْعُرُورِ وَ تَقْدِيمِ الْأَرَادِلِ وَ تَأْخِيرِ الْأَفْاضِلِ»؛

یعنی «چهار چیز موجب فروپاشی دولت‌هاست: ضایع کردن مسائل اصلی؛ پرداختن به مسائل فرعی؛ جلو انداختن آدم‌های پست و عقب‌انداختن آدم‌های برتر».^۵

- «مَنْ عَمِلَ بِالْحَقِّ مَالَ إِلَيْهِ الْخُلُقُ»؛

یعنی «هر کس به حق عمل کند، مردم به سوی او گرایش پیدا می‌کنند».^۶

- «مَنْ عَمِلَ بِالسَّدَادِ مَلَكَ»؛

یعنی «هر کس به درستی عمل کند، سلطه و قدرت پیدا می‌کند».^۷

امام حسن عسکری (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَا تَرَكَ الْحَقُّ عَزِيْزًا إِلَّا ذَلَّ وَ لَا أَحَدٌ بِهِ ذَلِيْلٌ إِلَّا عَزَّ»؛ یعنی «هیچ عزیزی حق را ترک نمی‌کند، مگر اینکه ذلیل می‌شود و هیچ ذلیلی به حق عمل نمی‌کند، مگر اینکه عزیز می‌شود».^۸ پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «بِحُسْنِ الْعَمَلِ يَرْفَعُ اللَّهُ أَقْوَامًا فَيَجْعَلُهُمْ فِي الْحَيْرِ قَادَةً»؛ یعنی «با درست‌عمل کردن است که خداوند گروه‌هایی را بالا می‌برد و آنان را در نیکی رهبر قرار می‌دهد».

امام خمینی (سلام الله علیه) می فرماید:

«اگر برای خدا قدم بردارید، خداوند متعال مقلب القلوب^{۱۰} است، دل‌ها

را به شما متوجه می‌سازد:

«إِنَّ الدِّينَ أَمْنٌ وَأَعْمَلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وِدًّا»^{۱۱}

«تمام قلوب دست خداست؛ مقلب القلوب خداست. به خدا متوجه شو

تا دل‌های مردم به تو متوجه شود.»^{۱۲}

این میانی در کنش سیاسی ما جایی ندارد: ما سنت الهی و منطق امیر مؤمنان (علیه السلام) را اجرا نمی‌کنیم؛ گفتمان‌سازی نمی‌کنیم؛ امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنیم؛ در مسائل کشور نقش آفرینی نمی‌کنیم؛ به سیری ظالمان و گرسنگی مظلومان بی‌توجهیم. ارتباط جریان حزب الله با عموم مردم قطع است. خب پس چطور انتظار داریم که مردم به ما رجوع کنند، خداوند متعال نیز به ما عنایت داشته باشد و در صحنه‌های این‌چنینی به پیروزی برسیم؟!



نصرت خدا چه زمانی محقق می‌شود؟

در انتخابات ۱۳۹۲ وقتی به‌گونه‌ای فضا سازی کردند که مردم آن رأی خاص را دادند و عده‌ای از حزب‌اللهی‌ها مایوس شدند، رهبری با استناد به قرآن از شروط تحقق پیروزی گفتند: «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ»^{۱۴} عامل پیروزی این است که یک جماعتی در یک مقیاس بزرگ، یک ملتّی-ایمان‌درستی داشته باشد، و این ایمان راسخ باشد، و این ایمان با بصیرت همراه باشد، و این ایمان و بصیرت با عمل و اقدام همراه باشد؛ این‌ها وقتی روی هم گذاشته شد، نصرت قطعی است. آنجایی که شما می‌بینید مؤمنینی هستند و نصرت پیدا نمی‌کنند، به‌خاطر این است که یا ایمان ضعیف است، یا ایمان غلط است-ایمان به چیزی است که نباید به آن مؤمن بود- یا ایمان همراه با بصیرت نسبت به مسائل جهان و مسائل حول و حوش خودشان نیست.»^{۱۵}

ایشان به یکی از مسئولان نظام گفته بودند در مسائل مهم ملی، ۹۵ درصد خداست و پنج درصد شما هستید؛ اما نصرت خدا فقط و فقط زمانی می آید که از آن پنج درصدی که به عهده شماست، حتی یک ذره هم نمانده باشد که بتوانید و انجام نداده باشید. خداوند در سوره حج می فرماید: «وَلْيُضِرَّ اللَّهُ مَنْ يُضِرُّهُ»؛ یعنی «همانا خداوند هر کس که او را یاری کند، حتماً یاری خواهد کرد».^{۱۶} در جای دیگری از این سوره می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»؛ یعنی «همانا خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند».^{۱۷} ما این نقد بنیادین را رها می کنیم، آن وقت یک عده می خواهند مشکل را با راهکارهای بی اولویت و جعلی و حتی غلط مانند ضرورت لیست واحد، کمپین و نظرسنجی حرفه ای، کپی برداری از اصلاح طلبان و غربی ها، طرح اولویت استراتژی بر ایدئولوژی، اولویت دادن به رأی آوری به جای صلاحیت، بی توجهی به اخلاق انتخاباتی، مناظره و... حل کنند. در نقطه مقابلش امیر مؤمنان (علیه السلام) در خطبه ۱۲۶ نهج البلاغه می فرماید نمی شود با شیوه های باطل، کار حق کرد: «أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجُورِ»؛ یعنی «آیا مرا امر می کنید که پیروزی را با ظلم بخواهم؟»

خب ما چگونه می توانیم یک دولت جوان حزب اللهی داشته باشیم که مردم در نگاه سیاسی به آن اعتماد داشته باشند و توانایی حل مسائل را در آن دولت ببینند؟ اگر با نگاه دینی و قرآنی به این قضیه نگاه کنیم، می بینیم که خداوند می فرماید: «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا»^{۱۸}؛ یعنی اگر بیست نفر به صورت منسجم و فعال داشته باشیم که تشکیلاتی حرکت و تلاش کنند، با اعتقاد و به صورت عملی فعالیت کنند، بر دویست نفر غلبه می کنند و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر غلبه می کنند. نمی گوید یکی به ده تا؛ بلکه می گوید بیست تا به دویست تا و صد تا به هزار تا غلبه می کنند. رهبری مدام به این سنت های قرآنی اشاره می کنند: «وَ إِنْ يَقَاتِلْكُمْ يَوْمَ الْاَدْبَارِ»^{۱۹}؛ «وَ لَوْ قَاتَلَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا الْاَدْبَارُ»^{۲۰}؛ یعنی در مقابل کفار ایستادگی کنید که دشمنان بالاخره شکست می خورند، پشت کرده و فرار می کنند. این سنت خداست؛ منتها به شرط اینکه به لوازمش عمل شود.



شهید بهشتی می‌گفت اگر وقت داشتیم، رجوی را هم درست می‌کردم

ما معمولاً به گوش دادن مبانی عادت داریم؛ ولی چون فعالیت نمی‌کنیم، در عمل ثمره و نتیجه‌ای منطبق با واقعیت‌ها نمی‌بینیم و بعد هم ناامید می‌شویم. شهید بهشتی می‌گفت: «هیچ کس مرا در دوره نشیب و فراز انقلاب، در سخت‌ترین مواقع، نتوانسته است با قیافهٔ افسرده ببیند. چرا افسرده باشیم؟ ما دنبال إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ^{۲۱} هستیم. [...] ما راست‌قامتان جاودانهٔ تاریخ خواهیم ماند. تنها موقعی سرپا نیستیم که کشته شویم و یا زخم بخوریم و بر خاک بیفتیم و الاً هیچ قدرتی پشت ما را نمی‌تواند خم بکند. [...] انقلاب ما، انقلاب آرمان‌هاست نه انقلاب تسلیم به واقعیت‌ها.»^{۲۲}

بهشتی ناامید نبود؛ چون به تکلیفش عمل می‌کرد و حتی برای بدترین اوضاع و بدترین موانع هم برنامه داشت. حتی می‌گفت: «اگر فرصت داشتیم رجوی^{۲۳} را هم اصلاح می‌کردم. [...] من از بین توده‌ای‌ها^{۲۴} کسانی را نماز شب خوان کرده‌ام که آقای رجوی، انگشت کوچک آن‌ها هم نمی‌شود و با اطمینان [...] می‌گوییم که اگر فرصت داشته باشیم، او را هم اصلاح خواهیم کرد.»^{۲۵}

تلاش ضدانقلاب برای معرفی نظام و رهبری به‌مثابهٔ مسئول مشکل‌ها

امروز ما جامعه‌ای داریم که دچار آشفتگی اقتصادی شده است. جامعهٔ ما در حالی این اوضاع آشفتۀ اقتصادی را حس می‌کند که از سوئی با دیوانه‌نمایی چون ترامپ روبه‌روست و از سوی دیگر با عملکرد برخی مسئولان که به‌نوعی مردم را عصبانی کرده‌اند. در این اوضاع، ضدانقلاب تلاش کرده است که اصل نظام و شخص رهبری را مسئول مشکل‌های کشور معرفی کند. البته هوشمندانه‌تر از قبل عمل می‌کنند. دیگر مثل

فتنه ۸۸، برچسب فساد به رهبری نمی‌زنند که هیچ‌کس باور نمی‌کرد و حتی عطاءالله مهاجرانی^{۲۶} فراری از آن طرف آب می‌گفت واقعی نیست و خامنه‌ای، علی‌گونه زندگی می‌کند. الان می‌گویند این‌ها نمی‌توانند و عرضه ندارند کاری برای مردم انجام بدهند یا مقابل مفسدان بایستند.



شما دانشجویان و جوانان انقلابی برای مسائل انقلاب چه می‌کنید؟

تکلیف برخی مسئولان مشخص است؛ اما سؤال اصلی این است که شما دانشجویان و جوانان انقلابی برای تغییر این اوضاع چه کاری انجام می‌دهید؟ شما دانشجویان جوان حزب‌اللهی، با مسئولانی که شش سال است اقتصاد مقاومتی را اجرا نمی‌کنند، چه فرقی دارید؟ شما هم مثل آن‌ها اقتصاد مقاومتی را جدی نگرفته‌اید؟ اصلاً چند نفر ابلاغیه اقتصاد مقاومتی رهبری^{۲۷} و سخنرانی ایشان در توضیح آن ابلاغیه^{۲۸} را خوانده‌اند؟ به‌صورت مشخص، باید پرسید جوانان و دانشجویان حزب‌اللهی و انقلابی، برای ابلاغیه‌ها و صحبت‌های رهبری در حوزه‌های مختلف چه کارها و فعالیت‌هایی انجام داده‌اند؟ ما برای قشر مستضعف که پای آرمان‌های انقلاب هستند و تا جنگ می‌شود این‌ها سینه سپر می‌کنند و مدافعان حرم و... هم از همین طبقه هستند، در این اوضاع و احوال اقتصادی چه کاری انجام داده‌ایم؟

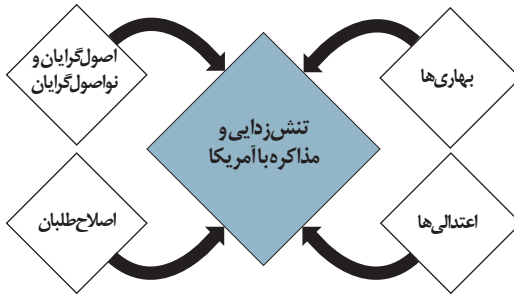


گفتمان سازی جدی لازم است برای شکل گیری دولت جوان حزب اللهی

یکی از مهم ترین کارهایی که می توانید برای شکل گیری دولت جوان حزب اللهی انجام دهید، ایجاد کردن غلبه گفتمانی است، تا بر اساس آن مردم احساس کنند انقلاب اسلامی راه حل واقعی برای مسائل و مشکل های جامعه دارد و این جوانان نیز کسانی هستند که مشکل ها را حل می کنند. با غلبه گفتمانی است که مردم برای اداره کشور به این قشر اعتماد می کنند.

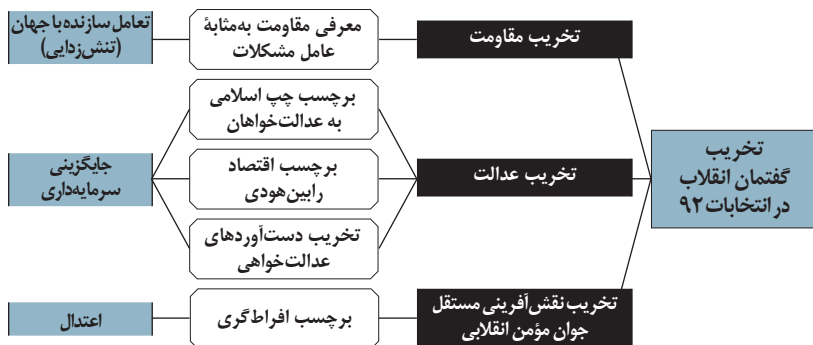
ایستادگی مردمی مقابل اجماع تحمیلی نخبگان سیاسی

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲، تغییرهایی سیاسی در کشور ایجاد شد که کسی انتظار آن را نداشت. بخش جدی و مهمی از آن تغییرها نیز به غلبه گفتمانی آن رویکرد برمی گشت؛ البته نامزدهای جریان مخالف نیز نکاتی را در مناظره ها مطرح کردند که تأثیرگذار بود؛ اما مهم همان غلبه گفتمانی بود که بعد از سال ۸۹ در کشور شکل گرفت و چند لایه داشت. یک لایه این بود که مسائل و مشکل های کشور را نمی توانیم با مقاومت و ایستادگی در مقابل دشمن حل کنیم و باید به سمت تنش زدایی حرکت کنیم. در آن دوره تقریباً همه نخبگان سیاسی در گروه ها و تشکل های مختلف اصول گرا و اصلاح طلب معتقد بودند که باید تنش زدایی کنیم و حتی رئیس جمهوری وقت، شهردار وقت تهران و سران اصلی اصول گرایان هم بر این نکته تأکید کردند. سال ۹۱ مطلبی نوشتم با عنوان «ایستادگی مردمی مقابل اجماع تحمیلی نخبگان سیاسی»^{۲۹} که بخشی از این مواضع در آن ثبت شده است.



تخریب مقاومت، عدالت و نقش آفرینی مستقل جوانان مؤمن انقلابی

لایه یا ضلع دیگری که موجب غلبه گفتمانی برخلاف گفتمان معیار انقلاب اسلامی در ابتدای دهه ۹۰ شد، این بود که ماجرای عدالت که به نوعی بُرد جبهه انقلاب اسلامی از سال ۸۰ بود، تخریب شد. عبارتهایی همچون «اقتصاد رایین هودی»^{۳۰}، «توزیع عادلانه فقر»^{۳۱}، «چپ اسلامی»^{۳۲}، «خوارج»، «تقدم ولایت بر عدالت»^{۳۳} و... در همین چهارچوب تخریب عدالت مطرح شد. یعنی یک ضلع «تخریب مقاومت»، ضلع دیگر «تخریب عدالت» و ضلع سوم هم «تخریب نقش آفرینی‌های مستقل جوانان مؤمن انقلابی» بود. مثلاً می‌گفتند شما در این مملکت رئیس‌جمهوری را سر کار آوردید که منحرف شده است و برای همین بعد از این دیگر اجازه نمی‌دهیم چنین اتفاقی بیفتد و کسی خارج از چرخه قدرت، بازی را به هم بزند. سران اصول‌گرایان به صراحت این حرف‌ها را می‌زدند؛ کما اینکه در سال ۹۲ محافظه‌کاران همه ظرفیت‌هایشان را برای مقابله با نامزد انقلابی‌ها در انتخابات بسیج کردند و عدالت‌خواهی و عدالت‌خواهان را به شیوه‌های مختلف تخریب کردند. تخریب این نقش آفرینی مستقل، لایه دوم و ابعاد دیگری هم داشت: تصویر جوان مؤمن انقلابی را به فردی افراطی تبدیل کردند، ادبیاتی مثل چپ اسلامی و تندروی را نیز برای این تخریب استفاده کردند و در مقابل نیز تعامل سازنده با جهان را مطرح کردند.

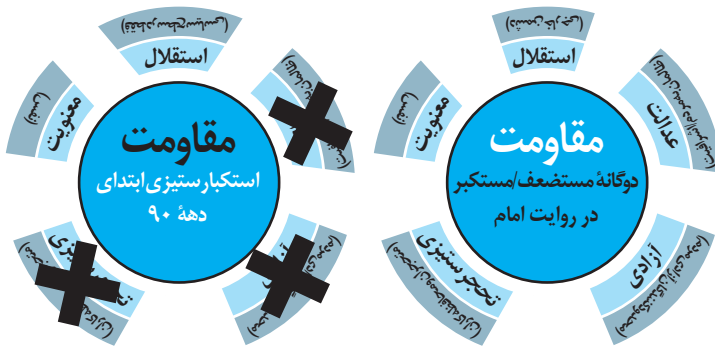


در گفت‌وگو با امام، استکبار فقط شامل دشمن خارجی نیست

یک نکته مهم این است که حتی خود جریان انقلابی در ابتدای دهه ۹۰، قرائتی از ماجرای مقاومت ارائه می‌داد که فقط شامل دشمن خارجی می‌شد؛ اما در گفت‌وگو با امام، استکبار فقط شامل دشمن خارجی نیست؛ بلکه شامل استقلال، عدالت، آزادی، معنویت و مقابله با تخریب هم می‌شود. امام خمینی (سلام‌الله‌علیه) در تبیین این ماجرا می‌گویند: «مستکبرین یک معنای اعمی دارد؛ یک مصداقش همان اجانب هستند که تمام ملت‌ها را ضعیف می‌شمرند و مورد تجاوز و تعدی قرار می‌دهند؛ یک مورد هم همین دولت‌های جائز، سلاطین ستمگر که ملت‌های خودشان را ضعیف می‌شمرند و به آن‌ها تعدی می‌کنند، دست تعدی به ملت‌ها دراز می‌کنند. [...] هر فرد، می‌شود که مستکبر باشد و می‌شود مستضعف باشد. اگر من به زیردست‌های خودم، ولو ۴ نفر باشد، تعدی و تجاوز کردم و آن‌ها را کوچک شمردم، بنده خدا را کوچک شمردم، من مستکبرم و او مستضعف؛ و مشمول همان معنایی است که مستکبرین و مستضعفین هستند. اگر شما کسانی که زیردست‌تان هست ضعیف شمردید و به آن‌ها خدای‌نخواستہ تعدی کردید، تجاوز کردید، شما هم مستکبر می‌شوید.»^{۳۴}

ایشان در تبیینی دیگر، مقاومت مردم ایران را در سطوح مختلف، از جمله جنگ اقتصادی و تبلیغاتی و مقابله با سرمایه‌داران و متحجران طرح می‌کنند: «ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی

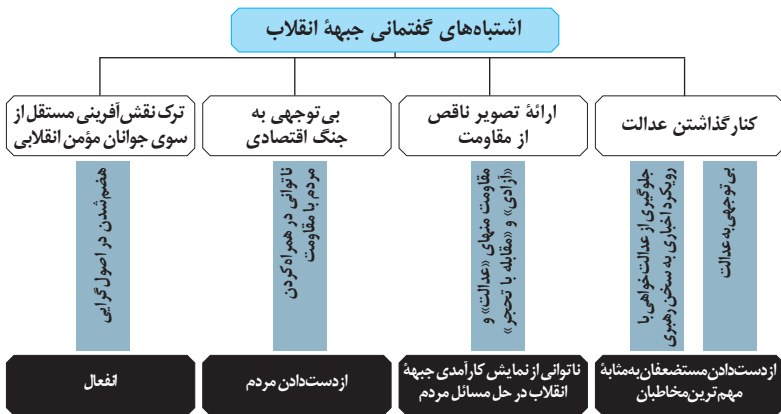
جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در اینجا مجال ذکر همه آنها نیست. آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد آمریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوهای نفتی و کشتی‌ها و قایق‌ها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازی‌های سیاسی مجامع بین‌المللی مقاومت نکرده است؟ آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمشانه عراق به شهرها و موشک‌باران مناطق مسکونی و بمباران‌های مکرر شیمیایی عراق در ایران و حلبچه، مقاومت نکرده است؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرال‌ها و زراندوزی و اختکار سرمایه‌داران و حیلۀ مقدس‌مآبان مقاومت نکرده است؟»^{۲۵}



مقاومت ناقص‌الخلقه، نه مقابله با تحجر، نه مقابله با بی‌عدالتی و نه مقابله با فقدان آزادی را به‌همراه نداشت. این تقلیل باعث شد گفتمان جذابی که هم آرمان دینی، هم ابزار اصلی برای ارتباط‌گیری با توده مستضعف جامعه بود، کنار گذاشته شود.

قرآن، نگاه‌گزینی‌اش به آرمان‌ها را عامل خواری می‌داند: «أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكُتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»؛ یعنی «آیا به بخشی از کتاب ایمان می‌آورید و به بخشی از آن ایمان نمی‌آورید؟ پس جزای کسی از شما که چنین کند، جز خواری

در زندگی دنیا نیست».^{۳۶} بگذریم از اینکه جریان انقلابی اساساً به‌رغم تأکیدهای رهبری، جنگ اقتصادی را رها کرده و درگیر دعوای سیاسی شده بود. رهبری بدون ورود به محتوای دعوی دو طرف در آن زمان که یکی بر طبل مکتب ایرانی و دیگری بر طبل جریان انحرافی می‌کوبید، در سخنرانی‌های متعدد همه را به اصلی‌فرعی کردن مسائل و توجه به جنگ اقتصادی تمام‌عیار دشمن فرامی‌خواندند.



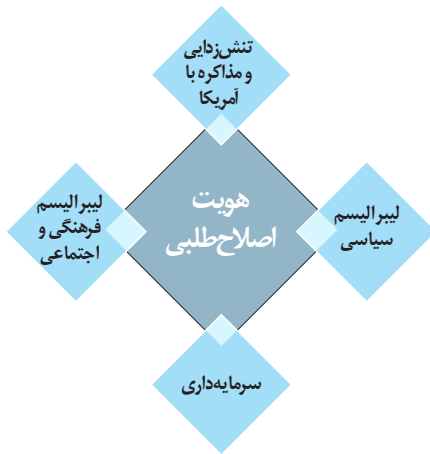
مدعیان اصول‌گرایی بیشترین نقش را در تخریب عدالت و مقاومت داشتند

نکته دیگر این بود که مدعیان اصول‌گرایی، بیشترین حمله‌ها را به گفتمان انقلاب کردند. مناظره‌های انتخاباتی سال ۹۲ را به یاد بیاوریم. چه کسانی بیشترین حمله را به انرژی هسته‌ای کردند و دکترین مقاومت و پیشرفت رهبر انقلاب را تخریب کردند؟ چه کسانی عدالت و عدالت‌خواهی را تخریب کردند؟ چه کسانی برای روشن‌فکران، برخورد نظام با آشوب‌های ۷۸ را تخریب کردند؟ آیا این‌ها از اصلاح‌طلبان و تجدیدنظرطلبان^{۳۷} بودند یا مدعیان اصول‌گرایی؟ طبیعی است وقتی مردم می‌بینند که افرادی با این ادعاها، خودشان این مبانی را نفی می‌کنند، در اصل ماجرا شک‌کنند و سراغ کسانی بروند که از اساس این مدل را نفی می‌کنند.



هویت «شترگاوپلنگ» مدعیان اصول گرایی

وقتی کسی به یک اصلاح طلب رأی می‌دهد، مشخص است به چه چیزی رأی داده است. رأی او، برآیندی است از مؤلفه‌هایی مثل تنش‌زدایی و مذاکره با آمریکا، سرمایه‌داری، لیبرالیسم^{۳۸} سیاسی شامل نفی هنجارهای سیاسی و آزادی برای تجدیدنظرطلبان- و لیبرالیسم فرهنگی و اجتماعی شامل رفع فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی، نفی وظیفه حکومت در مسائلی نظیر حجاب و... .

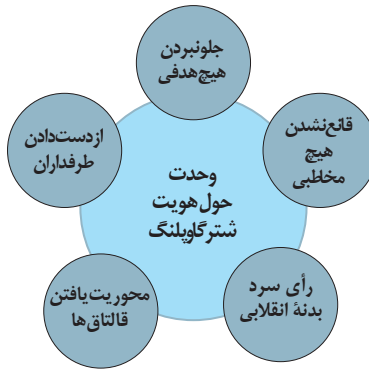


حال، طرف مقابل را که بررسی می‌کنیم، می‌بینیم مدعیان اصول گرایی، افراد متفاوتی هستند؛ در میان آن‌ها از طرفدار مذاکره با آمریکا هست تا مخالف مذاکره؛ از رئیس سابق اتاق بازرگانی^{۳۹} طرفدار اقتصاد بازار آزاد (بخوانید سرمایه‌داری) هست تا افراد عدالت‌خواه؛ از معتقدان به وظیفه حکومت در مسائلی نظیر حجاب هست تا کسانی که حجاب را اختیاری و اجباری می‌خوانند تا وظیفه حکومت را نفی کنند و... .
اصلاح‌طلبان همین مشکل را در سال ۷۷ داشتند. چون در میان آن‌ها،

از حزب‌اللهی‌های مخالف ناطق‌نوری^{۴۰} و هاشمی‌رفسنجانی و جناح راست بودند، تا چپ‌ارزشی‌ها و خط‌امامی‌های^{۴۱} مخالف سرمایه‌داری و رابطه با آمریکا مثل مجمع روحانیون مبارز^{۴۲} آن روز، تا تیپ‌های چپ مدرن^{۴۳} مثل سازمان مجاهدین انقلاب^{۴۴} و جبهه مشارکت ایران اسلامی^{۴۵}، تا راست‌های مدرن^{۴۶} مثل کارگزاران^{۴۷} و تا تجدیدنظرطلب‌ها.



این وضع، یعنی هویت «شترگاولپنگ» نتیجه این می‌شود که چنین وحدتی، نه هیچ هدفی را جلو می‌برد و نه هیچ مخاطبی را قانع می‌کند. در نهایت هم کم‌کم طرفدارانش را از دست می‌دهد و قاتل‌ها بر آن حکومت می‌کنند. انتخابات ۹۶ و بحران هویتی که در این جبهه شکست‌خورده اتفاق افتاد، دقیقاً نماد همین نکته بود. برای همین است که اصول‌گرایان هروقت بیشتر وحدت می‌کنند، مثل انتخابات‌های دوره‌های هفتم و دوازدهم ریاست‌جمهوری و دوره‌های ششم و دهم مجلس، بیشتر شکست می‌خورند! تضادهای درونی آن‌ها بیشتر زمین‌گیرشان می‌کند. نتیجه این می‌شود که بدنه آن‌ها و انقلابی‌هایی که از سر اضطرار به آن‌ها رأی می‌دهند، به تعبیر مایکل مور^{۴۸}، «رأی سرد» می‌دهند؛ یعنی انگیزه فضاشکنی و رأی جمع‌کردن ندارند.



بگذریم از اینکه مدعیان اصول‌گرایی در کل تاریخ انقلاب، جز زمان‌هایی که شورای نگهبان رد صلاحیت‌ها را جدی‌تر گرفته است، رأی نداشته‌اند. بزرگ‌ترین پیروزی‌های جبهه انقلاب هم وقتی بوده که انسجام داخلی بزرگ‌تری داشته و آرمان‌های جامع‌تری ارائه داده‌اند؛ ولو با کم‌ترین وحدت؛ مثل انتخابات ۸۴ که جمنا^{۴۹} آن روز (شورای

هماهنگی نیروهای انقلاب^{۵۰} از علی لاریجانی حمایت کرد و دیگر احزاب اصول‌گرا هم از محمدباقر قالیباف، ولی‌گزینه‌بدنه حزب‌الله با توجه به انسجام درونی و جامعیت‌گفتمانی، حتی در تهران هم پیروز شد. بگذریم از این‌که بعدها سرنوشت او چه شد؛ ولی منطق حزب‌الله پیروز شد.



در انتخابات ۹۲ هم این صف‌بندی و انسجام درونی بود؛ اما آرمان‌های ارائه‌شده ناقص بود و در نتیجه توانایی جذب‌بدنه عمومی از بین رفت.



عدالت، مهم‌ترین هدف اجتماعی دین و حکومت دینی

بر اساس مبانی دینی ما، مهم‌ترین هدف اجتماعی دین و هدف نهایی از قدرت و ولایت، اجرای عدالت است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ»^{۵۱}؛ یعنی «همانا پیامبران ما را با نشانه‌های آشکار فرستادیم و با آنان کتاب و میزان فرو فرستادیم، تا مردم عدالت را برپا دارند». اهل‌بیت (علیهم‌السلام) هم در وضع‌های مختلف به این ماجرا تأکید می‌کنند؛ برای نمونه:

– امیر مؤمنان (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «مَلَكَ السِّيَاسَةِ الْعَدْلُ»؛

یعنی «ملاک سیاست، عدالت‌ورزی است».^{۵۲}

– امام حسین (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «وَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْعَامِلُ بِالْكِتَابِ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِرُ بِدِينِ الْحَقِّ الْحَائِسُ نَفْسَهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ»؛ یعنی «سوگند می‌خورم که حاکم، جز کسی که عامل به کتاب، برپاکننده عدالت اجتماعی، پایبند به دین حق و نگهدارنده نفس خود به‌خاطر خدا باشد، نیست».^{۵۳}

– امام رضا (علیه السلام) هم صریحاً انتظار اصلی از حاکم را عدالت گستری می‌داند: «إِنَّمَا يُرَادُ مِنَ الْإِمَامِ قِسْطُهُ وَ عَدْلُهُ»؛
یعنی «همانا از حاکم، قسط و عدلش مورد انتظار است».^{۵۴}

– امام خمینی (سلام الله علیه) در همین چهارچوب، اسلام را حکومت می‌داند که احکامش، ابزار اجرای عدالت است:

«الإِسْلَامُ هُوَ الْحُكُومَةُ بِشُئُونِهَا، وَ الْأَحْكَامُ قَوَانِينُ الْإِسْلَامِ، وَ هِيَ شَأْنٌ مِّنْ شُئُونِهَا، بَلِ الْأَحْكَامُ مَطْلُوبَاتٌ بِالْعَرَضِ، وَ أُمُورٌ آيَةٌ لِإِجْرَائِهَا وَ بَسْطِ الْعَدَالَةِ»؛
یعنی «اسلام همان حکومت با امور آن است. و احکام، قانون‌های اسلام [برای حکومت] و امری از امور حکومت هستند. بلکه [می‌توان گفت] احکام اسلام به‌خاطر حکومت آمده‌اند و امری ابزاری برای تحقق حکومت و عدالت گستری هستند».^{۵۵}

سنت الهی بودن عدالت‌ورزی برای کسب و حفظ قدرت

متون دینی ما عدالت را از مهم‌ترین عوامل عزت پیدا کردن، دست‌یابی به قدرت و حفظ آن می‌دانند. امام علی (علیه السلام) در این زمینه فرمایش‌های متعدد دارند:

– «مَنْ عَدَلَ نَفَذَ حُكْمَهُ»؛

یعنی «هرکس عدالت‌ورزی کند، حکمش نافذ می‌شود».^{۵۶}

– «مَنْ عَدَلَ تَمَكَّنَ»؛

یعنی «هرکس عدالت پیشه کند، تمکن (با قدرت استقرار) پیدامی‌کند».^{۵۷}

– «لِيَكُنْ مَرْكَبُكَ الْعَدْلُ فَمَنْ رَكِبَهُ مَلَكَ»؛

یعنی «هرکس تو عدالت باشد؛ پس هرکس سوار مرکب عدالت شد،

سلطه و قدرت پیدا می‌کند».^{۵۸}

– «مَنْ عَدَلَ فِي سُلْطَانِهِ وَ بَدَلَ إِحْسَانَهُ أَعْلَى اللَّهِ شَأْنُهُ وَ أَعَزَّ أَعْوَانُهُ»؛

یعنی «هرکس در دایره قدرتش عدالت بورزد و به دیگران احسان

(شروع کردن به نیکی) کند، خداوند منزلت او را بالا می‌برد و یارانش

را عزت می‌دهد».^{۵۹}

«اغْدِلْ تَحْكُمُ»؛ یعنی «عدالت پیشه کن تا [قدرت] حکم [کردن] پیدا کنی».^{۶۰}

«اغْدِلْ تَمْلِكُ»؛ یعنی «عدالت پیشه کن تا سلطه و قدرت بیابی».^{۶۱}

«و الرعيَّةُ سوادٌ يُستَعْبِدُهمُ العُدْلُ»؛

یعنی «مردم، توده‌هایی هستند که عدالت آنان را به فرمان‌بری وامی دارد».^{۶۲}

«أَلَا إِنَّهُ مَنْ يُنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا عِزًّا»؛

یعنی «آگاه باشید، همانا هر کس از جانب خویش (بدون اینکه تحت

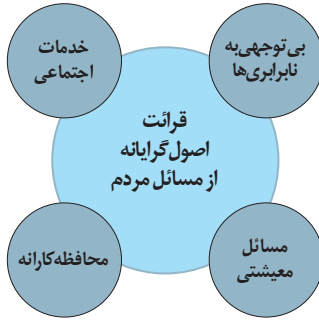
تأثیر و فشار خارجی و تحمیلی عمل کند) در رابطه با مردم عدالت‌ورزی

کند، خداوند فقط به عزت او می‌افزاید».^{۶۳}

امام صادق (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «مَنْ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ رُحِيَ بِهِ حَكًّا لَيْئِرِهِ»؛ یعنی «هر کس از جانب خویش (داوطلبانه و بدون فشار و تحمیل) در رابطه با مردم، عدالت پیشه کند، دیگران به‌عنوان حَکَم نسبت به سایرین او را می‌پذیرند».^{۶۴} ایشان درباره رقابت و اختلاف می‌فرماید: «مَا تَدَارَأُ اثْنَانِ فِي أَمْرٍ قَطُّ فَأَعْطَى أَحَدُهُمَا النَّصْفَ صَاحِبُهُ فَمَنْ يَقْبَلُ مِنْهُ إِلَّا أُدْبِلَ مِنْهُ»؛ یعنی «هیچ دو نفری با یکدیگر در امری اختلاف نکردند، در حالی که یکی از آن‌ها در نسبت با دیگری انصاف ورزید، و دیگری از او قبول نکرد، مگر اینکه بر آن دیگری (که زیر بار حق انصاف نرفته) غلبه کرد».^{۶۵}

نگاه اصول‌گرایان به عدالت، نه انقلابی است و نه مردم را جذب می‌کند

در همین چهارچوب، باید دوباره قرائتی از عدالت، محور حرکت‌های انقلابی‌ها قرار بگیرد که جامعیت داشته باشد و در گلوگاه‌های دعوی انقلاب با نابرابری و اشرافیت و بیش از همه تبعیض، تعیین‌کننده باشد. نگاه اصول‌گرایان که ماجرا را تنها به مشکل معیشتی و خدمات اجتماعی تقلیل می‌دهند و راهکارهایشان در نهایت در حد مسائل سطحی و شکم و زیرشکم می‌ماند و مصلحت‌های سیاسی و قدرت‌طلبانه را بر عدالت ترجیح می‌دهند، نه انقلابی است و نه توانایی جذب مردم را دارد؛ نظیر آنچه در انتخابات ۹۴، با تعبیر «معیشت، امنیت و پیشرفت» عنوان شد.



این ماجرا تنها با انتخاب شعار حل نمی‌شود. اساس این رویکرد غلط است که صرفاً شعار، ابزار جذب مردم است؛ آن‌هم شعاری که برآمده از هویت درونی نیست. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «أَجْوَرُ النَّاسِ مَنْ عَدَّ جَوْرَهُ عَدْلًا مِنْهُ»؛ یعنی «ظالم‌ترین مردم کسی است که ظلم خودش را عدل بشمارد».^{۶۶}

مشکل‌ها با ایستادگی، اصلاح اقتصادی و تبعیض‌ستیزی حل می‌شود؛ نه مذاکره با آمریکا

از سال ۱۳۹۱ تاکنون، گفتمانی که در برابر انقلابی‌ها ایستاده، می‌گوید راه‌حل مشکل‌ها در میانه‌روی، سرمایه‌داری و تنش‌زدایی است. آنچه باید انقلابی‌ها در برابر آن مطرح کنند، این است که مشکل‌های کشور با انقلابی‌گری، ایستادگی، اصلاح اقتصادی و تبعیض‌ستیزی حل می‌شود، نه مذاکره با آمریکا.



این نکته هم با تکرار این حرف محقق نمی‌شود. باید هم تربیون درد مردم بشویم و به مصادیق، سازوکارها و ساختارهای تبعیض‌زا اعتراض کنیم، هم اصلاح اقتصادی را مطالبه کنیم و هم در نهایت در برابر تعامل‌های ذلت‌بار بایستیم؛ این سه باید با هم محقق شود.



رهبری سال ۹۲ و در ابتدای مذاکراتِ منتهی به برجام، گفتند: «من اعتماد ندارم، خوش‌بین نیستم به مذاکره، لکن می‌خواهند مذاکره کنند، بکنند؛ [...] این تجربه ظرفیتِ فکری ملت ما را بالا خواهد برد؛ مثل تجربه‌ای که در سال ۸۲ و ۸۳ در زمینه تعلیق غنی‌سازی انجام گرفت، که آن وقت تعلیق غنی‌سازی را در مذاکرات با همین اروپایی‌ها، جمهوری اسلامی برای یک مدتی پذیرفت. خب ما دو سال عقب افتادیم، لکن به نفع ما تمام شد. چرا؟ چون فهمیدیم که با تعلیق غنی‌سازی، امید همکاری از طرف شرکای غربی مطلقاً وجود ندارد. [...] معلوم شد با عقب‌نشینی، با تعلیق غنی‌سازی، با عقب‌افتادن کار، با تعطیل کردن بسیاری از کارها مشکل حل نمی‌شود؛ طرف مقابل دنبال مطلب دیگری است؛ این را ما فهمیدیم، لذا بعد از آن شروع کردیم غنی‌سازی را آغاز کردن. [...] البته بنده همچنان که گفتم خوش‌بین نیستم؛ من فکر نمی‌کنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه تجربه‌ی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد. ما از مسئولین خودمان

که دارند در جبههٔ دیپلماسی فعالیت می‌کنند، کار می‌کنند، قرص و محکم حمایت می‌کنیم، اما ملت باید بیدار باشد، بداند چه اتفاقی دارد می‌افتد [تا] بعضی از تبلیغاتچی‌های مواجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغاتچی‌های بی‌مزد مواجب از روی ساده‌لوحی- نتوانند افکار عمومی را گمراه کنند.»^{۶۷}

جوانان انقلابی باید با مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی به مردم نشان دهند راه در غرب نیست و راه حل مشکل‌های کشور در انقلابی‌گری و در دست انقلابی‌هاست؛ همین تعبیری که رهبر انقلاب سال گذشته در دیدار با بسیجیان فرمودند: «این ملت و این نسل جدید و جوان تصمیم گرفته است که دیگر تحقیر نشود، تصمیم گرفته است، دنباله‌رو قدرت‌های بیگانه و دشمن نشود، تصمیم گرفته است که ایران عزیز را به اوج افتخار و عزت برساند.»^{۶۸}

این مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی، هم موجب افزایش ظرفیت فکری مردم می‌شود، هم باعث وصل شدن دوبارهٔ حزب‌الله و مردم می‌شود، هم عامل ساخته شدن نیروی آگاه به مسائل کشور می‌شود، هم زمینه‌ساز دیده شدن کارشناسان و نخبگانی می‌شود که در این حرکت‌ها، جوانان انقلابی را همراهی می‌کنند. وقتی فلان چهرهٔ کارشناس، هم در ماجرای اعتراض به FATF فعال است، هم در اعتراض به فلان نابرابری منطقه‌ای، هم در اعتراض به خصوصی‌سازی‌های افسارگسیخته، هم در اعتراض به قیمت گوشت و...، خودبه‌خود مردم او را می‌شناسند و به او اعتماد می‌کنند.



دعوا بر سر جایگزینی انقلابی‌گری و محافظه‌کاری است؛ نه رده‌های سنی!
 از وقتی که رهبری بیانیه گام دوم انقلاب را صادر کردند و بحث روی کارآمدن دولت جوان حزب‌اللهی^{۶۹} را مطرح کردند، همه بر سر سن و سال دعوا دارند؛ در حالی که اصلاً دعوا درباره سن نیست که بیست‌ساله‌ها و سی‌ساله‌ها و چهل‌ساله‌ها و جدیداً میان‌سال‌ها با تابلوی نسبتاً جوان با هم دعوا کنند! اگر به نیمه اول بیانیه گام دوم رهبری درست توجه کنیم، لب حرف این است که جاهایی که انقلابی عمل کردیم، پیشرفت کردیم؛ ولی در جاهایی که انقلابی عمل نکردیم و محافظه‌کاری کردیم، عقب ماندیم. دعوا بر سر جایگزینی انقلابی‌گری و محافظه‌کاری است؛ و گرنه این که به جای پیرهای محافظه‌کار، جوانان محافظه‌کار بیایند، جز مقاومت بیشتر مقابل انقلابی‌گری و اصلاح‌گری، چه عایدی و نتیجه‌ای دارد؟^{۷۰}

مشکل ما فقدان تحول در کشور است. همه از حزب‌اللهی تا تجدیدنظرطلب می‌گویند تغییر و اصلاح، کند است. از قضا جوان‌هایی که حال انقلابی‌عمل کردن را ندارند، هم بخشی از ظرفیت را با تغییر و اصلاح سطحی می‌سوزانند، هم انگیزه و حال و حوصله بیشتری برای محدود کردن انقلابی‌گری دارند! ما انقلابی هشتادساله‌ای مثل رهبر معظم انقلاب یا انقلابی نودساله‌ای مثل حاج حیدر رحیم‌پور^{۷۱} را داریم؛ اما جوان محافظه‌کار بیست‌ساله و سی‌ساله و به‌قول خودشان نسبتاً جوان چهل و پنجاه ساله هم داریم. دعوی اصلی، بر سر آوردن جوانان انقلابی به کرسی قدرت است.



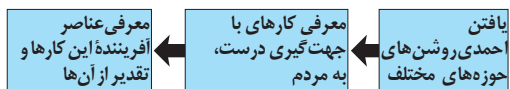
این جوانان باید چند ویژگی داشته باشند: ۱. ظرفیت و صلاحیت داشته باشند؛ ۲. حرف، ایده و توانایی برای اداره کشور داشته باشند؛ ۳. قادر باشند اعتماد مردم را به خود جلب کنند.



باید «احمدی‌روشن‌های کشور» را شناسایی و به مردم معرفی کنیم

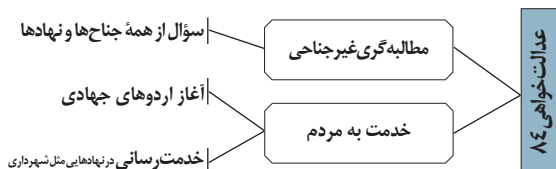
در کشور کسانی وجود دارند که احمدی‌روشن‌وار^{۲۳} در زمینه‌های مختلف کار می‌کنند و اهل خودنمایی هم نیستند. این جوانان اهل سروصدا و درست کردن کلیپ‌های جنجالی و ادا در آوردن و مقام گرفتن نیستند. اهل جلوه‌فروشی‌های فردی به مردم نیستند؛ مثل کارهایی که الان در فضای مجازی باب شده است که عکس بگیرند، در شبکه‌های اجتماعی‌شان منتشر کنند و بنویسند «من در حال خدمت به مردم» یا «دیدار با مستضعفان» یا «مبارزه با فساد، پیهویی»! هریک در حوزه‌ای واقعاً برای حل مشکل‌های انقلاب و نظام و مردم می‌جنگند و در دایره توان‌شان تحول ایجاد می‌کنند؛ برخلاف برخی از جوانان فرصت‌طلب انقلابی‌نما که بدون صلاحیت، مسئولیت‌ها را گرفته‌اند و جلوه‌فروشی فردی می‌کنند و از این پست به آن پست و از این مطلب مجازی به آن رویداد رسانه‌ای می‌روند. احمدی‌روشن‌های حوزه‌های مختلف، چون کسی سراغ‌شان نرفته و کسی به آنان کمک نمی‌کند و خودشان هم اهل خودنمایی نیستند، برای مردم شناخته‌شده نیستند. ما ابتدا باید این تیپ‌ها را در سراسر کشور و در حوزه‌های مختلف شناسایی کنیم. بعد از آن، کارهای درست را به مردم نشان دهیم. این اقدام هم موجب امیدآفرینی می‌شود، هم موجب دیده‌شدن عناصر آفریننده آن کارها می‌شود، هم راه را برای

کارهای جدی‌تر باز می‌کند. در مرحله بعد باید در جاهایی که ضرورت دارد، از خود این جوانان تقدیر کنیم و آنان را معرفی کنیم؛ البته در بسیاری اوقات، این کار سوم لازم نیست و معرفی اقدام‌های درست، خودبه‌خود مردم را به عناصر آفریننده آن‌ها رهنمون می‌کند. البته آسیب‌هایی هم می‌توان برای آن برشمرد؛ مثل سوءاستفاده و باب‌شدن کارهای نمایشی. اما در بسیاری اوقات، واقعاً ضروری است.



فساد، فساد است؛ حتی اگر در جناح ما باشد

طی سال‌های ۷۹ تا ۸۴، بخش از جوانان حزب‌اللهی و انقلابی در کشور شروع به فعالیت کردند و برخلاف دعوای جناحی و سیاسی راست و چپ و با توجه به گفتمان عدالت، اعلام کردند که «فساد، فساد است؛ حتی اگر در جناحی باشد که ما به آن تمایل داریم». مردم یک‌دفعه دیدند کار حزب‌اللهی‌ها ماله‌کشی اشتباه‌ها و توجیه وضع موجود نیست و این‌ها نمی‌خواهند جناحی عمل کنند. از طرف دیگر، حزب‌اللهی‌ها حرکت اردوهای جهادی را هم آغاز کردند که به نماد خدمت در چشم مردم تبدیل شد. فرصت‌هایی مثل شهرداری تهران هم که دست انقلابی‌ها افتاد. حزب‌اللهی‌ها و بسیجی‌ها در جاهای مختلف شهرداری، از مناطق ۲۲گانه گرفته تا سطوح بالای شهرداری، به مردم خدمت‌خالصانه کردند. حزب‌الله در آن سنت الهی که گفتیم قرار گرفت و همه این‌ها باعث شد آن‌همه تخریب، کارگر نشود.



اوج تخریب جریان حزب‌اللهی و عدالت‌خواه در سال ۸۴ صورت گرفت
 تخریب‌هایی که علیه جریان حزب‌اللهی و عدالت‌خواه در سال ۸۴ صورت گرفت، نه تنها از تخریب‌های بعدی کوچک‌تر نبود، بلکه بعضی از آن‌ها خیلی بزرگ‌تر بود. در صفحهٔ اول روزنامه‌ها، تیترو و مطلب می‌زدند که اگر جریان حزب‌اللهی، عدالت‌خواه و بسیجی سر کار آمد، شورت و شلوار پای سگ و گربه می‌کنند. تیترو یک زدند که «شلاق‌زن‌ها برمی‌گردند!» بعدها وحید جلیلی در جواب سردبیر این روزنامه که نمایندهٔ مجلس هم بود، نوشت: «این بابا که رئیس اسبق بسیج دانشگاه ما (دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)) بود، بی‌حجاب‌ها را شلاق نمی‌زد؛ بلکه برایشان کلت می‌کشید! حالا مدعی شده است!» با لباس بسیجی در خیابان به دختر مردم تجاوز می‌کردند تا تخریب کنند و... اما مجموعهٔ عملکرد نیروهای حزب‌اللهی در آن سال‌ها موجب شد تا این طیف به‌رغم همهٔ تخریب‌ها، با ارتباط‌گیری با کف جامعه در تهران رأی میلیونی بیاورد؛ جایی که اصول‌گرایان هیچ‌وقت نمی‌توانند با مردم ارتباط بگیرند و رأی‌شان به یک میلیون هم نمی‌رسد.



بایدکارها و اتحاد جوانان مؤمن و انقلابی‌کاری را پیش چشم مردم بیاوریم
 باید کارها و بعد خود جوانان انقلابی را که بدون ادعا در بخش‌های مختلف کشور فعالیت می‌کنند، به مردم معرفی کنیم و آن‌ها را پیش چشم مردم بیاوریم. این تیپ‌ها خودشان برای گرفتن قدرت و ارائهٔ خود به مردم، پا پیش نمی‌گذارند. برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ سراغ چند نفر رفتیم که اگر آمده بودند، می‌توانستند تغییرهایی ایجاد کنند. یکی از آن‌ها گفت از اساس تکلیف من نیست و کسی که قدرت‌طلبی کند، ملعون است. روایت امام صادق (علیه‌السلام) را خواند که «مَلْعُونٌ مَنْ تَرَأَسَ»

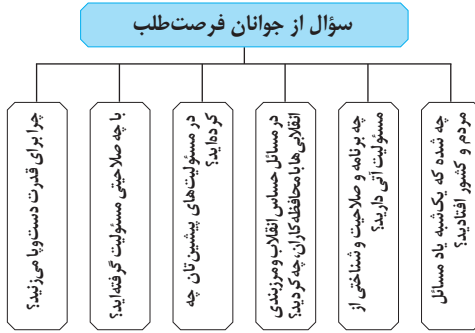
مَلْعُونٌ مَنْ هَمَّ بِهَا مَلْعُونٌ مَنْ حَدَّثَ بِهَا نَفْسَهُ؛ یعنی «کسی که ریاست طلبی کند، ملعون است. کسی که همّ و غمّش ریاست باشد، ملعون است. هر کس با خودش از ریاست، حدیث نفس کند، ملعون است».^{۷۳} اصلاً یکی از ویژگی‌های آدم‌های صلاحیت‌دار همین است که از قدرت و شهرت فرار کنند و دست‌وپا نزنند. البته اگر جایی طرف به این نتیجه رسید که وظیفه اوست، باید خودش به میدان بیاید؛ اما الان همه احساس تکلیف می‌کنند و اطرافیان‌شان هم در تنور این احساس تکلیف می‌دمند.

جوانان فرصت طلب را به چالش بکشید!

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ يَرَى أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ، فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْمُسْلِمِينَ»؛ یعنی «هر کس از مسلمانان (برای گرفتن مسئولیتی) پیشی بگیرد، در حالی که می‌بیند که در میان مسلمانان کسی هست که از او برتر است، پس همانا به خدا و پیامبرش و مسلمانان خیانت کرده است».^{۷۴} امام صادق (علیه‌السلام) در همین زمینه می‌فرماید: «مَنْ طَلَبَ الرِّئَاسَةَ بِغَيْرِ حَقِّ حُرْمِ الطَّاعَةِ لَهُ بِحَقِّ»؛ یعنی «هر کس بدون این که حق داشته باشد، ریاست طلبی کند، پیروی برای او حرام شده است».^{۷۵} پس ما در برابر افرادی صلاحیت و فرصت طلب مسئولیت داریم. یکی از مهم‌ترین وظایف دانشجویان و جوانان حزب‌اللهی و انقلابی و بسیجی این است که جوانان فرصت طلب و رانتی انقلابی‌نما را که می‌خواهند قدرت را در دست بگیرند در برابر انقلابی‌های خالصی که توانمندی و صلاحیت دارند، به چالش بکشند. از قاتل‌ها بپرسید:

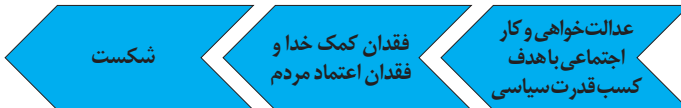
- با چه صلاحیتی در مسئولیت‌های پیشین قرار گرفتید؟
- در جاهایی که بودید، چه کاری برای انقلاب و مردم کردید؟
- در مسائل حساس نظام و انقلاب و مرزبندی انقلابی‌ها با محافظه‌کاران، چه کردید؟
- برای این مسئولیت‌هایی که برایش دندان تیز کرده‌اید، چه صلاحیت و شناخت و برنامه‌ای دارید؟

- چه شده که یک‌شبه یاد دردهای مردم و مسائل انقلاب افتاده‌اید؟
- چرا دارید برای قدرت دست‌وپا می‌زنید؟



چرا شب انتخابات به یاد مردم و مبارزه با فساد افتاده‌اید؟

ظرفیت فکری مردم ارتقاء یافته است. مردم دیگر به راحتی و به صرف خدمت اجتماعی یا عدالت‌خواهی با اهداف سیاسی و انتخاباتی، به کسی رأی نمی‌دهند. خود انتخابات ۹۶ یک نمونه بود. یکی از کاندیداها ماه‌ها پیش از انتخابات، از یکی از «حزب‌اللهی‌ها»^{۷۶} معروف اصول‌گرایان نقل می‌کرد که به او گفته بود ما به دنبال یک سیدِ آخوندِ اقتصادفهم هستیم. طراحی این‌ها و تصورشان این بود که اگر ترکیبی از سید اولاد پیغمبر انتخابات ۷۶ و خدمت به مردم انتخابات ۸۴ ارائه دهند، پیروزی‌شان قطعی است. اصول‌گرایان علاوه بر این، شب انتخابات یاد مفاصد اقتصادی مخصوصاً از جناح مقابل می‌افتند؛ ولی شعور مردم زیاد شده و به چنین چیزهایی اعتماد نمی‌کنند.



بعد از انتخابات ۹۶، به پیشنهاد یکی از دوستان در کانال «جمهوری»^{۷۷}، فراخوانی برای نگارش تجربه‌های انتخابات منتشر کردیم. در همهٔ دوستان سیصد تجربهٔ ارسالی جوانان انقلابی، یک حرف مشترک بین

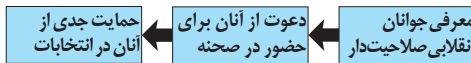
همه مردم از شمال تهران تا فلان روستای دورافتاده در زایل بود: «وقتی ما با مردم صحبت می کردیم، از ناکارآمدی این آقایانی که سر کار بودند و دلایل ما برای دفاع از کاندیدای مان قانع می شدند؛ ولی همه شان یک پاسخ مشترک، مهم و تاریخی می دادند و آن اینکه شما چهار سال دقیقاً کجا بودید و چرا شب انتخابات به یاد مردم و مبارزه با فساد افتاده اید!» ما باید این تصویر را بشکنیم. اصل برای ما، باید مطالبه گری دردهای مردم باشد؛ آن هم به صورت مبنایی و نه انتخاباتی. آن وقت هم مردم اعتماد می کنند، هم اگر شکست بخوریم، احساس شکست نمی کنیم.

کسانی که عدالت را نه برای عدالت، بلکه برای کسب قدرت می خواهند، موجب آسیب های زیادی می شوند: آن ها گذشته از آنکه توانایی جذب مردم را ندارند، عدالت را محافظه کارانه به سطح نازلی فرومی کاهند؛ یا صرفاً به جناح مقابل و رقبای سیاسی شان نسبت می دهند؛ یا گرفتار مسائل فرعی شده و در نهایت نمی توانند مشکل واقعی را حل کنند؛ یا به جلوه فروشی فردی، خودنمایی و نمایش عدالت خواه بودن خود ولو به قیمت ذبح عدالت و تضعیف نظام می پردازند و در نهایت اصلاح حقیقی و بنیادین انجام نمی شود. چون در مسیر عدالت پیش نمی روند، موجب ناامیدی مردم، یا روی کار آمدن قاتل ها و به محاق رفتن گفتمان عدالت می شوند.



باید این تعصب‌های قومی قبیله‌ای اصول‌گرایان را کنار بگذاریم. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تُعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ»؛ یعنی «هرکس تعصب بورزد یا برایش تعصب بورزند، همانا رشته ایمان را از گردنش جدا کرده است».^{۷۸}

به‌جای راه‌افتادن دنبال سازوکارهای ناسالم اصول‌گرایان، حالا با هر تابلو و شیوه‌ای که بیایند از نیروی انقلاب گرفته تا یار انقلاب تا حرکت اجتماعی جوانان تا حضور نسبتاً جوان، تا جمع کردن جوانان سابق تشکل‌های دانشجویی به‌وسیله بعضی آدم‌هایی که به‌لحاظ قانونی حق دخالت در انتخابات را ندارند و... سراغ آدم‌هایی برویم که انقلابی عمل می‌کنند. به‌جای سران محافظه‌کار اصول‌گرایان، در همین مجلس چندین نیروی جدی را می‌توان اسم برد که غیرسیاسی در زمینه‌های مختلف پای کار انقلاب و مشکل‌های مردم بودند. از آن‌ها و از جوانان انقلابی صلاحیت‌دار خارج از مجلس دفاع کنیم. الان با دادن سهم می‌خواهند جوانان انقلابی را ساکت کنند. باید هم جوانان انقلابی صلاحیت‌دار را معرفی کنیم؛ هم آنان را به آمدن به صحنه دعوت کنیم؛ هم فارغ از اینکه در فهرست‌ها قرار گرفتند یا نه، از آنان حمایت کنیم.



جا انداختن گفتمان و ارتقاء ظرفیت فکری مردم است یا صرف رأی‌آوری؟

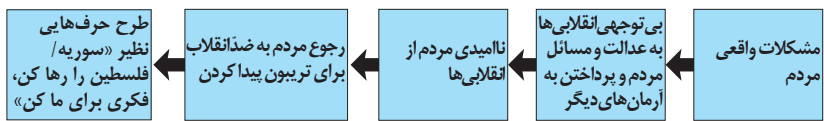
حل مشکل‌های مردم و نظام در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست؛ اما می‌توان تغییرهایی جدی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت ایجاد کرد. مهم این است که ما گفتمان را جا بیندازیم تا آن آرمان‌ها تبدیل به دغدغه جدی و سبک زندگی ما شود و به مقتضای آن عمل کنیم. این وعده الهی است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ نُصِرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛ یعنی «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌های شما را استوار

می‌کند».^۶ دیروزود دارد؛ اما سوخت‌وسوز ندارد؛ حتی اگر در قدرت نباشیم، پیروزیم؛ چون حرف و مطالبه ما، مسئله اصلی کشور می‌شود. رهبری درباره عدالت می‌گویند: «گفتمان عدالت، یک گفتمان اساسی است و [...] همه چیز ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ باید آن را داشته باشیم. این گفتمان را باید همه گیر کنید؛ به گونه‌ای که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتمان شود؛ یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شود پرچم عدالت را بر دست بگیرد؛ این را شما باید نگه دارید و حفظ کنید؛ این مهم است.»^۸ یعنی جوری آن را گفتمان کنید که حتی اگر کسی به عدالت اعتقاد ندارد، مجبور شود به آن عمل کند. آن وقت دیگر مسئله ما بزرگ‌تر از انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ می‌شود؛ چه ببریم و چه به احتمال قوی با توجه به ناآمدگی کنونی انقلابی‌ها شکست بخوریم. این روند در درازمدت موجب اعتماد و ارتباط‌گیری حزب‌الله با مردم می‌شود. آن وقت دیگر کسی نمی‌تواند با شانتاژ و هوچی‌گری در انتخابات، مناظره، تخریب و... بر حزب‌الله غلبه کند. در چنان وضعی، فرصت‌طلبان و انقلابی‌نماها هم دیگر نمی‌توانند موج‌سواری کنند.

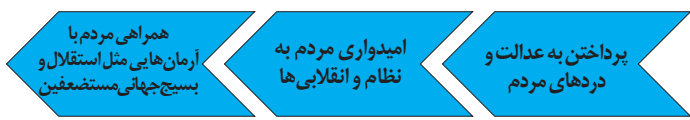
اقدام‌های مهم حزب‌اللهی‌ها در برخی بی‌عدالتی‌ها

در یکی دو سال گذشته، جوانان حزب‌اللهی در برخی از مناطق کشور در زمینه‌هایی نظیر خصوصی‌سازی‌های افسارگسیخته فعال شدند. در این باره باید از دانشجویان برخی دانشگاه‌ها مثل بچه‌های بسیج‌دانشجویی دانشگاه رازی و دانشگاه سهند، روحانیون اراک و برخی روحانیون اهواز و... تشکر کرد. در این فضا موج به دست بچه‌های انقلابی افتاد و توانستند بسیار اثرگذار باشند و تا حدی هم ماجرا را کنترل کنند؛ یعنی هم مسئله واقعی مردم قدری حل شد، هم کارآمدی جمهوری اسلامی بیشتر شد. همین اتفاق درباره برخی تبعیض‌ها و امکانات و اموال عمومی افتاد. باید این را هم تعمیق کنیم و هم به موضوع‌های اساسی دیگر تسری بدهیم.

وقتی صدای مردم نیستیم، آن‌ها سراغ کانال‌های ضدانقلاب می‌روند
 اینکه فلان کانال ضدانقلاب یک میلیون بازدیدکننده پیدا می‌کند، به کجا برمی‌گردد؟ بگذریم از پانصدهزار حزب‌اللهی که به دنبال رصد هستند و همچنین بگذریم از حساب‌های جعلی. اما مردم وقتی می‌بینند نیروهای انقلابی، بسیجی، روحانیون و صداوسیما، صدای آنان نیستند، مجبور می‌شوند به فلان کانال ضدانقلاب تمسک پیدا کنند.

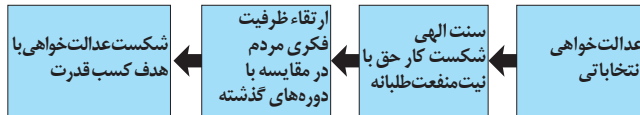


اما همین مردم اگر ببینند حزب‌اللهی‌ها کنار آن‌ها ایستاده‌اند، اگر ببینند همان کسانی که از جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند و از مدافعان حرم دفاع می‌کنند و به دنبال ترویج فرهنگ اسلامی هستند، همان‌ها معترض به بی‌عدالتی‌ها هم هستند، آن زمان است که به نظام و انقلابی‌ها امیدوار می‌شوند. آن زمان است که مردم با آرمان‌هایی نظیر استقلال، نهضت جهانی اسلام، اصلاح فرهنگی جامعه و... هم همراهی می‌کنند.



کار اجتماعی و عدالت‌خواهانه با اهداف سیاسی نمی‌تواند مردم را جذب کند
 اگر مردم دیدند حزب‌الله به صورت واقعی پیگیر درد آن‌هاست، موضع دیگری پیدا می‌کنند. مردم به خوبی فرق کارهای نمایشی با کارهای واقعی و فرق آنان که شب انتخابات به یاد مردم می‌افتند با آنان که همیشه هستند، می‌فهمند. خطر فعلی این است که عده‌ای از محافظه‌کاران می‌خواهند از عدالت و کارهای اجتماعی، استفاده ابزاری انتخاباتی کنند؛ اما مردم فریب این تیپ کارها را نمی‌خورند. یک دلیل‌اش اثرگذاری

اخلاص و سنت‌های الهی است و دلیل دیگر هم به ارتقاء ظرفیت فکری مردم برمی‌گردد که به تعبیر رهبر انقلاب در درازمدت تحلیل درست پیدا می‌کند. البته تبیین درست و پیگیری دردهای مردم را همیشه باید انجام داد؛ آن‌هم برای خدا؛ یعنی اخلاص به‌تنهایی کفایت نمی‌کند.



برای جذب مردم، کار زرد انجام ندهیم؛ خالصانه به تکلیف عمل کنیم

محافظه‌کاران گاهی برای جذب مردم، بخشی از دین و اصول را می‌زنند؛ مثلاً در مجلس نهم می‌گفتند با برجام مخالفت نکنیم تا رأی بیاوریم. خدا خواست دوسوم ترکیب آن مجلس عوض شد و بعضی از تندترین مخالفان برجام، با رأی اول به مجلس رفتند. مبانی دینی ما می‌گوید که اگر شما بخشی از دین را بگیرید و بخشی از آن را رها کنید، بر اساس سنت الهی خوار می‌شوید:

«أَفْتَوُمُونَ بَعْضَ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا جُزِيٌّ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ»؛

یعنی «آیا به بخشی از کتاب ایمان می‌آورید و به بخشی از آن کفر می‌ورزید؟ پس پاداشی آن‌که از شما چنین کند، جز خواری در زندگی دنیا نیست و روز قیامت به سخت‌ترین عذاب بازگشت داده می‌شوند».^{۸۱}

– امیر مؤمنان (علیه‌السلام) در حکمت ۱۰۶ نهج‌البلاغه می‌فرماید:

«لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئاً مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِضْلَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضَرُّ مِنْهُ»؛

یعنی «مردم چیزی از امر دین‌شان را به‌دنبال خوب‌کردن دنیای‌شان رها نمی‌کنند؛ مگر اینکه خداوند بر آن‌ها آنچه از آن زیان‌رساننده‌تر است، بر آنان می‌گشاید».

– امام حسین (علیه السلام) می فرماید:

«فَإِنَّهُ مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَأَهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ وَمَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ وَالسَّلَامُ»؛

یعنی «پس هر کس خشنودی خدا را علی رغم خشم مردم بخواهد، خداوند او را نسبت به کارهای مردم کفایت می کند و هر کس خشنودی مردم را علی رغم خشمگین کردن خدا بخواهد، خداوند او را به مردم وامی گذارد».^{۸۲}

– پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در تعبیر مشابهی می فرماید:

«مَنْ أَلْتَمَسَ رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَأَرْضَى عَنْهُ النَّاسِ، وَمَنْ أَلْتَمَسَ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَسْخَطَ عَلَيْهِ النَّاسِ»؛

یعنی «هر کس خشنودی خدا را علی رغم خشم مردم بجوید، خدا از او خشنود می شود و مردم را از او خشنود می کند. و هر کس خشنودی مردم را علی رغم خشم خدا بخواهد، خداوند از او خشمگین می شود و مردم را نسبت به او خشمگین می کند».^{۸۳}

همان طور که در ابتدای بحث گفتیم، امام (سلام الله علیه) به ما یاد داد که اگر برای خدا و نه برای جذب دل مردم، کار کردیم، خدا دل ها را جذب می کند. سیدحسن نصرالله، کارهای زرد برخی محافظه کاران را نمی کند؛ اما چون با اخلاص به تکلیف عمل می کند و تصویری از مقاومت ارائه می دهد که هر انسان آزاده ای جذب آن می شود، در نتیجه افراد مختلفی از بسیجی های حزب الله گرفته تا جولیا پطروس، خواننده زن مسیحی، را جذب می کند.^{۸۴}

کارهای زرد برای جذب مردم

هویت شتر گاوپلنگی:

- ◀ نارضایتی حزب الهی ها
- ◀ گول نخوردن معترضان
- ◀ اقتناع نشدن مردم

ناتوانی در جذب بدنه مردم

کار خالصانه و ارائه تصویر جامع و اولویت دار از آرمان ها

هویت جامع انقلابی:

- ◀ نصرت خدا
- ◀ همراهی حزب الهی ها
- ◀ ارتباط گیری با فطرت های سالم

امکان جذب مردم

نیروه‌های انقلابی را به حضور در صحنه وادار کنیم

باید کاری کنیم که جوانان انقلابی صلاحیت‌داری که در حال فعالیت در اقصانقاط کشور هستند، پای کار بیایند؛ حتی اگر آن‌ها در انتخابات رأی هم نیاورند، دیده می‌شوند؛ البته جاهایی در شهرستان‌ها هست که کار حساب‌نشده می‌تواند طرف را از هستی ساقط کند و باید با دقت نظر فعالیت کرد.

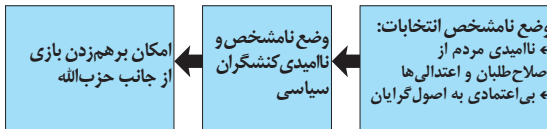
نمونه بارز این دیده‌شدن، تجربه چهارمین و پنجمین شورای شهر در شهرستان امیدیه است. در تجربه چهارمین دوره انتخابات شورای شهر، نیروهای فعال مسجدی امیدیه، با آوردن عناصری مردمی، خدوم و خوش‌نام مانند محمدرضا آقاجری که از فعالان فرهنگی شهر بود، توانستند شورای شهر را تغییر بدهند. جالب آنکه فعالان مسجدی شهر، بدون اطلاع آقاجری، او را که گزینه‌ای اصلح بود، بدون اطلاع خودش در انتخابات ثبت‌نام کردند و در عمل انجام‌شده قرار دادند. در شورای چهارم، آقاجری اقلیتی یک‌نفری مقابل دیگر اعضای شورا بود؛ اما با عدالت‌خواهی، شفاف‌کردن شورا و اعتراض به اقدام‌های خلاف منافع مردم، توانست فضای عمومی شهر را با خود همراه کند. با این رویه، نیروهای انقلابی توانستند در دوره بعدی، اکثریت شورای پنج‌م را در دست گرفته و حتی شهردار را تغییر دهند.

نمونه دیگر و البته مشهورتر، سعید جلیلی بود که در انتخابات دوره ششم و هفتم مجلس، از مشهد نامزد شد. بچه‌های انقلابی بدون پول و با تبلیغات چهره‌به‌چهره پای کار آمدند. با همین رویه، جلیلی به‌رغم رأی‌نیاوردن در دوره هفتم، البته با فاصله‌ای اندک از پنج کاندیدای منتخب، چهره شد و توانست تا دفتر بررسی بیت رهبری^{۸۵}، معاونت وزارت خارجه و دبیری شورای عالی امنیت ملی نیز فضای کار پیدا کند.



صحنه واقعی انتخابات، پیروزی کسی را تضمین نمی کند

به صحنه واقعی انتخابات که نگاه کنیم، می بینیم که وضع الان به گونه ای است که دیگر بدنه اصلاح طلبان برای مردم جذابیتی ندارد؛ اما اوضاع آن طور هم نیست که مردم به جریان مقابل شان گرایش پیدا کرده باشند. از قضا در این فضای ناامیدی، انقلابی ها و حزب الهی ها می توانند وارد شوند و بازی را به هم بزنند؛ البته به این معنا نیست که در انتخابات آتی پیروز می شوند؛ ولی ظرفیت جریان سازی را دارند.



البته احتمالاً اصلاح طلبان به سمت این می روند تا با دست گذاشتن روی حرف های انتقادی و عدالت خواهانه، نظیر اقدامی که در سال های ۷۵ تا ۷۹ با دولت سازندگی کردند، با دولت تدبیر و امید مرزبندی کنند و فضا را به نفع خویش در دست بگیرند.

در کشور قحط الرجال نداریم؛ بلکه جهل الرجال داریم

در کشور قحط الرجال نداریم؛ بلکه جهل الرجال داریم. ما می توانیم با فعالیت و ارتباط با مردم، افرادی را پای کار بیاوریم که دغدغه مردم داشته باشند و مسائل واقعی انقلاب را مطرح و پیگیری کنند. برای مجلس شورای اسلامی، افرادی را می خواهیم که در میانه این بازی های قدرت، بتوانند حقوق مردم و مسائل انقلاب را جدی پیگیری کنند و در میان قالتاق ها از رو نروند؛ به ویژه الان که ما با آفازده ها و دامادهای کسانی در حال مبارزه هستیم که ده سال قبل با خودشان مبارزه می کردیم.

ارتباط چهره به چهره و فضای مجازی؛ فرصت نقش آفرینی جوانان انقلابی

امروزه مثل ده پانزده سال قبل نیست که فقط یک روزنامه یا سایت خبری اثرگذار باشد. اصلاً خیلی از این ها اثرشان را از دست داده اند. الان ما علاوه بر ارتباط گیری مستمر و مستقیم با مردم در نهادهایی مثل

مسجد و هیئت که ویژگی ممتاز ماست، ابزارهای نوینی داریم که فعالیت درست و حساب شده در آن‌ها می‌تواند صحنه را تغییر دهد. کارهای انقلابی برخی جوانان انقلابی در سال‌های اخیر باعث توجه مردم شده است. الان برخی از مهم‌ترین و اثرگذارترین صفحه‌ها در شبکه‌های اجتماعی، صفحه‌های جوانان انقلابی و عدالت‌خواه است که حاصل نقش‌آفرینی این جوانان برای برطرف کردن دردهای مردم و همچنین تشنگی مردم برای عدالت است.

باید لوازم عدالت‌خواهی مصداقی را رعایت کنیم

در فرایند مطالبه‌گری باید توجه کرد که عدالت‌خواهی کلی بی‌فایده است. دو سطح دیگر در عدالت‌خواهی داریم: یکی اصلاح سازوکارها و ساختارهای مولد بی‌عدالتی و دیگری پرداختن به مصداقی بی‌عدالتی. باید بین این دو سطح رفت‌وآمد کرد.

قرآن به ما می‌گوید: «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً»؛ یعنی «همانا گمان، از چیزی از حق، بی‌نیازی ایجاد نمی‌کند».^{۸۶} امام علی (علیه‌السلام) در این باره در حکمت ۲۲۰ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «لَيْسَ مِنَ الْعَدْلِ الْقَضَاءُ عَلَى التَّقَةِ بِالظَّنِّ»؛ یعنی «از روی اطمینان قضاوت کردن بر اساس گمان، از عدالت نیست». اگر وارد مصداق می‌شویم، باید دربارهٔ ابعادش تحقیق کرده و یقین پیدا کنیم. بعد هم بدون اینکه حکم صادر کنیم یا اتهام بدون سند بزنیم، به مطالبه و سؤال کردن از نهاد مسئول بپردازیم. این همان چیزی است که رهبری در دیدار دانشجویان شیرازی گفتند: «شما زرنگی‌تان این باشد: گفتمان عدالت‌خواهی را فریاد کنید؛ اما انتقاد شخصی و مصداق‌سازی نکنید. وقتی شما روی شخص و مصداق تکیه می‌کنید، هم احتمال اشتباه هست، هم وسیله‌ای به دست می‌دهید برای اینکه آن زرنگ قانون‌دان قانون‌شکن - که من گفتم ام قانون‌دان‌های قانون‌شکن خطرناک‌اند - بتواند علیه شما استفاده کند».^{۸۷}

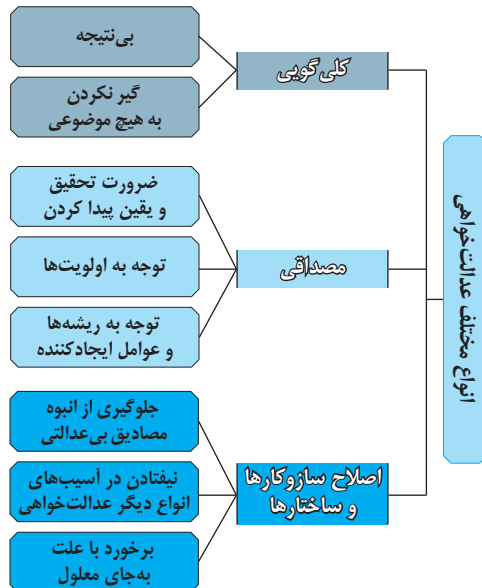
مغز حرف رهبری این است که بدون اطلاع‌یافتن اقدام نکنید و کاری نکنید که «قانون‌دانان قانون‌شکن» شما را گرفتار کنند. سال‌های سال

به‌بهانهٔ همین سخنرانی جلوی عدالت‌خواهی گرفته می‌شد. در حالی که رهبر انقلاب خودشان در جاهای دیگر ما را به پرداختن به مصادیق عدالت و دوری‌گزیدن از کلی‌گویی فراخوانده‌اند: «وقتی شما سؤال می‌کنید و پاسخ می‌خواهید، باید سؤالی بکنید که پاسخ آن از سوی هرکسی قابل تشخیص و ارزیابی کمی باشد؛ و الاً اینکه شما بگویید «آیا می‌دانید که از قبل بیکاری چه مشکلاتی پیش می‌آید؟» جوابش این است که بله می‌دانیم. «چه کار می‌کنید؟» [می‌گویند] همین کارهایی که می‌بینید داریم می‌کنیم. این‌طور طرح پرسش، چیزی عاید نخواهد کرد. یا از قوهٔ قضائیه پرسید «شما برای رفع این ویرانه در پنج سال گذشته چه کار کردید؟» آن‌ها چند صفحه به شما آمار خواهند داد که این کارها را کرده‌ایم.^{۸۸}

ایشان در پیام معروف‌شان به جنبش دانشجویی برای عدالت‌خواهی می‌گویند: «باید هر پدیدهٔ ضدعدالت در واقعیات کشور مورد سؤال قرار گیرد. مسابقهٔ رفاه میان مسئولان، بی‌اعتنائی به گسترش شکاف طبقاتی در ذهن و عمل برنامه‌ریزان، ثروت‌های سربرآورده در دستانی که تا چندی پیش تهی بودند، هزینه‌کردن اموال عمومی در اقدام‌های بدون اولویت و به‌طریق‌اولی در کارهای صرفاً تشریفاتی، میدان‌دادن به عناصری که زنگی و پررویی آنان، همهٔ گلوگاه‌های اقتصادی را به روی آنان می‌گشاید و خلاصه پدیدهٔ بسیار خطرناک انبوه‌شدن ثروت در دست کسانی که آمادگی دارند آن را هزینهٔ کسب قدرت سیاسی کنند؛ و البته با تکیه بر آن قدرت سیاسی، اضعاف^{۸۹} آنچه را که هزینه کرده‌اند گرد می‌آورند. این‌ها و امثال آن نقطه‌های استفهام‌برانگیزی است که هر جوان معتقد به عدل اسلامی ذهن و دل خود را به آن متوجه می‌یابد و از کسانی که مظلون به چنین تخلفاتی شناخته می‌شوند پاسخ می‌طلبد؛ و همچنین در کنار آن از دولت و مجلس و دستگاه قضائی عملکرد قاطعانه برای ریشه‌کن کردن این فسادها را مطالبه می‌کند.»^{۹۰}

ما باید هم روی مصادیق اولویت‌دار دست بگذاریم، هم به عوامل و ریشه‌های ایجاد بی‌عدالتی کار داشته باشیم. البته مصداق کافی نیست و

باید از دل هر مصداق به سازوکارها و ساختارها و قوانین مولد بی‌عدالتی بپردازیم. اگر آن سازوکارها و ساختارها اصلاح شوند، جلوی صدها بی‌عدالتی گرفته می‌شود. رهبر انقلاب در همین زمینه می‌فرماید: «عدالت‌طلبی فقط این نیست که انسان شعار عدالت‌طلبی بدهد؛ نه باید این را واقعاً بخواهد. عدالت‌طلبی به این نیست که انسان رودرروی کسی بایستد و بگوید تو عدالت‌طلب نیستی؛ نه این، سازوکار دارد. باید جامعه به نقطه‌ای برسد که سیاست‌های عدالت‌طلبانه در آن طراحی شود و دستگاه اجرایی طوری باشد که سیاست‌های عدالت‌طلبانه فرصت عملیاتی شدن و اجرایی شدن پیدا کند؛ و آلا خیلی سیاست‌های عدالت‌طلبانه هم مطرح می‌شود؛ اما سازوکار، آدم‌ها، مهره‌ها، قلم‌به‌دست‌ها و امضاءکننده‌ها یا علاقه ندارند، یا اعتقاد ندارند، یا همت ندارند، یا حال و حوصله ندارند، یا از همان قبیل «برو بابا دلت خوشه» است؛ لذا کارها متوقف و لنگ می‌ماند؛ بنابراین آنها را باید اصلاح کرد. برای رسیدن به هر آرزوی بزرگ و هر هدف والایی، سازوکاری وجود دارد؛ این سازوکار را باید جوان هوشمندِ فرزانه دانشجو پیدا کند.»^{۹۱}



ورود به مصداق

تحقیق درباره ابعاد

سؤال و مطالبه
از مسئولان

رفتن به سمت
پیگیری سازوکارهای
مولد بی‌عدالتی

جلوگیری از
هزاران مصداق
فساد

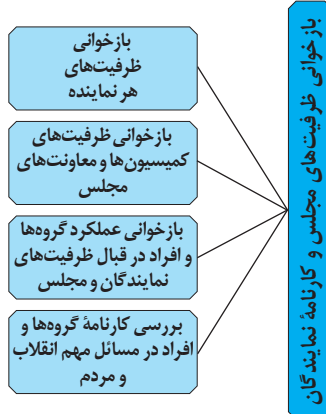
گزینه‌های زیادی داریم که باید پیدا و معرفی شوند

در فضای سیاسی ابتدا باید هویت ما برای مردم مشخص باشد و از این وضع شترگاوپلنگی که نه می‌توانیم آرمان‌های انقلاب را پیگیری کنیم و نه می‌توانیم هیچ قشری از مردم را جذب کنیم، خارج شویم. در گام بعد هم باید برای نهادهای مختلف، انبوهی از چهره‌های قابل و صلاحیت‌داری را که داریم، پیدا و معرفی کنیم.

شفاف کردن عملکردها برای مردم؛ از وظایف مهم تشکل‌های دانشجویی

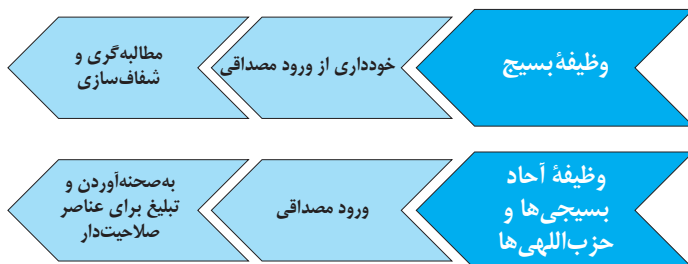
یکی از مهم‌ترین وظیفه‌های تشکل‌های دانشجویی به‌خصوص بسیج دانشجویی در فضای سیاسی امروزی، شفاف‌سازی عملکردها و فضا برای مردم در عرصه‌های مختلف است. مثلاً در مجلس هفتم که هنوز آمار عملکرد نماینده‌ها در دسترس نبود، تعدادی از بچه‌های عدالت‌خواه روی تعداد غیبت‌ها و تأخیرهای نمایندگان مجلس کار کردند و تعدادی از بدعملکردها نتوانستند در انتخابات بعدی رأی بیاورند. البته این کار، عمیق نبود و حالا دیگر باید کارهای عمیق انجام دهیم که طرف دارد چه کاری انجام می‌دهد. باید عملکرد نماینده‌ها و جریان‌ها را در حوزه مسائل اصلی انقلاب مثل عدالت،

نفوذ، جنگ اقتصادی، برجام، FATF و مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی بررسی کنیم. وظایف و امکان‌های نماینده نظیر طرح، سؤال، استيضاح و کمیسیون‌ها و نحوه عملکرد مدعیان انقلابی‌گری، اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در قبال آن وظایف، باید بازخوانی و به مردم معرفی شوند.



بسیج، حق کار انتخاباتی ندارد؛ اما بسیجی‌ها باید نقش آفرینی کنند

بسیج مثل سپاه است و حق کار سیاسی و انتخاباتی ندارد؛ ولی دانشجویان بسیجی و حزب‌اللهی باید در صحنه حاضر شوند. اگر آن‌ها شور انتخاباتی ایجاد نکنند و از چهره‌های صلاحیت‌دار، چه آن‌ها که در فهرست‌ها حاضرند و چه آن‌ها که نیستند، دفاع نکنند، انقلاب پوک می‌شود. به عنوان بسیج، کار مطالبه‌گرانه و شفاف‌سازی بکنید و به عنوان بسیجی‌ها، در کنار نیروهای صلاحیت‌دار بایستید، آن‌ها را وارد انقلاب کنید و برای آن‌ها تبلیغ کنید.



حرکت انتخاباتی را با شعارهای درست عدالت‌خواهانه همراه کنیم

شعار و مطالبه درست، حتی اگر رأی نیاورد، می‌تواند بر فضای سیاسی اثرگذار باشد. مثلاً در انتخابات قبلی مجلس، فهرست برخی جوانان انقلابی، شعارهایی واقعی مثل وام ازدواج سی میلیون تومانی یا ساخت مسکن برای مردم داشت. این‌ها به مطالبه عمومی تبدیل شد، وام ازدواج سی میلیونی تثبیت شد و حتی رئیس دولت به ضرورت ساخت مسکن توسط دولت رسید و وزیر مسکن مانع «مسکن مهر» مجبور به استعفا شد. البته این نکته، تنها عنصر تعیین‌کننده نبود؛ اما مؤثر واقع شد. در همین دولت «تدبیر و امید» که گفتمان اصلی‌اش «تعامل سازنده با جهان» و نه خودکفایی بود، پیگیری تعدادی جوان انقلابی سبب شد که خودکفایی در گندم، خودکفایی در بنزین و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان محقق شود. حتی از توافق‌های خطرناکی مثل پاریس^{۹۲}، یونیت^{۹۳} و FATF جلوگیری شد و توافق‌های جدید

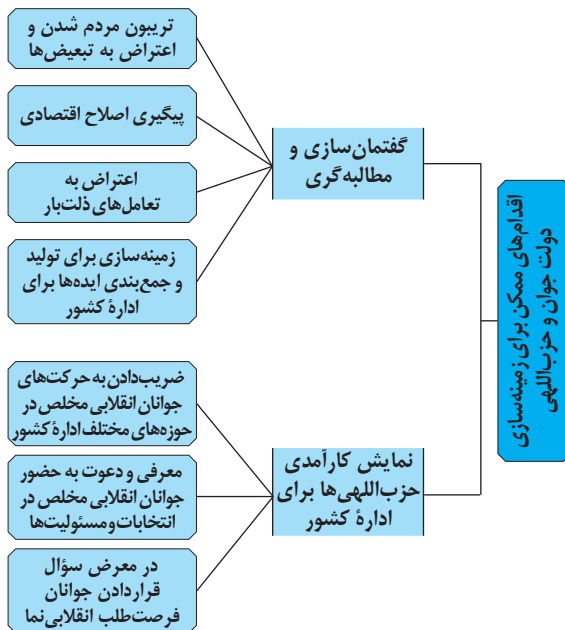
نفتی اصلاح شد^{۹۴}. در انتخابات معروف^{۹۵} BREXIT، حزب دست‌چندم و بی‌اهمیت «استقلال بریتانیا» (UKIP)^{۹۶}، گفتمان جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا را با انتخاب شعار گویای «TAKE CONTROL BACK»^{۹۷} توانست غالب کند. این حزب نه تنها توانست رأی مردم را به دست بیاورد، بلکه بعد از جا انداختن گفتمان خود، با تغییر حزبش به حزب BREXIT توانست انتخابات بعدی و مشخصاً پارلمان اروپا را برنده شود.

زمینه‌سازی برای تولید و جمع‌بندی ایده‌ها برای اداره کشور

در چهارچوب گفتمان‌سازی، یکی از کارهای مهمی که از دانشجویان و طلاب انقلابی برمی‌آید، زمینه‌سازی برای تولید و جمع‌بندی ایده‌ها برای اداره کشور است. مجموعه‌های دانشجویی، طلبگی، فرهنگی و... می‌توانند با برگزاری نشست، گرفتن مصاحبه، تولید محتوا و... در ارتباط با چهره‌های انقلابی نسل دوم و سوم در حوزه‌های مختلف اداره کشور، زمینه‌ای برای جمع‌بندی گفتمانی و تخصصی از حرف‌هایشان ایجاد کنند. همچنین با برگزاری رویدادهایی مثل جشنواره ایده، می‌توانند نسل چهارمی‌ها را به عرصه ارائه راه‌حل برای اداره کشور بکشانند.

مردم زیر بار تعیین از بالا نمی‌روند

بعضی گروه‌ها و نهادها هنوز متوجه نشده‌اند که مردم با انتخاب از بالا برای خودشان مشکل دارند. در انتخابات ۷۶ و ۸۴ و ۹۲، عده‌ای به‌زور خواستند افرادی را گزینه نظام معرفی کنند؛ اما مردم به آن‌ها «ته» گفتند. مردم خیلی جاها برخلاف نظر سطحی ما، عدالت‌خواهانه و آزادی‌خواهانه رأی داده‌اند. جالب است که برخی نهادها و افراد هیچ‌وقت از این ماجراها درس عبرت نمی‌گیرند. نباید بازیچه دست محافظه‌کاران شویم. به‌جای آن، می‌توانیم با ارتباط‌گیری صحیح با مردم، زمینه طرح مسائل واقعی انقلاب را فراهم کنیم.



تبعیض؛ کارخانه تولید انبوه ریگی‌ها و جدایی طلب‌ها

در بحث عدالت، باید توجه کرد که ساده‌زیستی مهم است؛ ولی همه‌چیز نیست. مردم انتظار دارند مسئولان‌شان هم ساده‌زیست و مردمی باشند، هم قادر به برطرف کردن مشکل‌هایشان باشند. سازوکارها و ساختارهای تبعیض‌زایی در کشور ما هست که باید با آن‌ها مقابله کنیم. از تبعیض آموزشی گرفته تا خصوصی‌سازی افسارگسیخته و اختصاصی‌سازی، تا محوریت تجار در اقتصاد و تولید، تا حتی تبعیض‌های منطقه‌ای و... همه جزء دستور کار ماست. برای نمونه، ما باید با نابرابری‌های منطقه‌ای و شهری مقابله کنیم. ما با اعمال تبعیض، کارخانه تولید انبوه عبدالمالک ریگی^{۹۸} در سیستان و بلوچستان و جدایی طلب در خوزستان درست کرده‌ایم. باید این رویه‌ها را اصلاح کنیم.

برای مطالبه‌گری می‌توانیم به قانون و اسناد بالادستی در کشور مراجعه کنیم

در کشور ما انبوهی از اسناد بالادستی و قانونی وجود دارد که به مرحله اجرا نرسیده‌اند. ظرفیت‌های قانونی بسیاری وجود دارد که استفاده نمی‌شوند. مثلاً همین سامانه شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات^{۹۹} را ببینید که خود دولت راه‌اندازی کرده است. اگر در این زمینه، نهادهای دولتی تا ۱۰ روز پاسخگو نباشند، می‌توانیم به قوه قضائیه شکایت کنیم. نمونه دیگر، ظرفیت نهادهای نظارتی است که از آن استفاده نمی‌کنیم. یکی از کارهای مهم در انتخابات، دست‌گذاشتن روی ظرفیت‌های همین قوانین و اسناد بالادستی موجود است که به مسائل زندگی مردم می‌پردازد و مغفول واقع شده است. البته بحث دیگر، نسبت عدالت و قانون است. بر اساس بند «م» از وصیت‌نامه امام (سلام‌الله‌علیه)، برای پیگیری مطالبات مردمی و مشکل‌های جامعه ابتدا باید سراغ قانون برویم و برای فسادها و منکرهای بزرگ، اگر نهادهای قانونی وظیفه‌شان را انجام ندادند و خطر مهمی برای انقلاب وجود داشت، آن‌وقت آحاد جوانان حزب‌اللهی باید وارد عمل شوند و خارج از رویه معمول اقدام کنند. اینکه گفتیم و نکردند، بهانه برای رفع تکلیف درست نمی‌کند: «از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است به‌طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می‌باشند. و مردم و جوانان حزب‌اللهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند به دستگاه‌های مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند، خودشان مکلف به جلوگیری هستند.»^{۱۰۰}

جوان مؤمن انقلابی باید خود را مسئول اصلاح نظام ببیند

جوان مؤمن انقلابی نباید خود را مثل یک روشن‌فکر، یک عنصر غرغروی غیرمسئول خارج از نظام ببیند. ما باید خود را مسئول تحقق آرمان‌های انقلاب ببینیم و بابت هر وضعی که در نظام هست، خود را مسئول ببینیم که به اصلاح آن کمک کنیم. ما باید به مشکل‌ها و

مسئله‌های واقعی انقلاب، ضریب بدهیم و زمینه فراگیر شدن مطالبه برای اصلاح آن را ایجاد کنیم. طبیعی است محافظه کاران و کسانی که نان‌شان در همین وضع موجود است، جلوگیری کنند؛ اما این مشکل‌ها نباید ما را از مسیر برگرداند. اهمیت تجربه امثال احمدی‌روشن همین‌جا خودش را نشان می‌دهد.

زکزی بر اساس قاعده «روح توحید، نفی عبودیت غیر خداست» عمل می‌کند

همان‌طور که در ابتدای بحث مطرح شد، رهبر انقلاب، روح توحید را نفی عبودیت غیر خدا دانسته‌اند که ایمان به آن، تعهدی پیامبرگونه و همه‌جایی ایجاد می‌کند. شیخ زکزی در نیجریه، یک نمونه این رویکرد مسئولانه است. با وجود آنکه همه‌چیز بر ضد اوست، از نظام سلطه تا عربستان تا دولت تا مسئولان ذی‌ربط ایرانی که با او همراه نیستند و اکثرشان مانع ایجاد می‌کنند، از مسیر خود کناره نمی‌گیرد. او چند وقت پیش در جواب گروه پزشکی مسلمانان اروپا گفته بود: «ما به خدا و قبر و قیامت یقین داریم و یقین داریم خداوند از پیاده کردن اسلام در دنیا از ما سؤال خواهد کرد. ما از کسانی نیستیم که برای خودمان از اهل بیت کیسه بدوزیم.» طرفداران زکزی سه‌سال‌ونیم است که پنج روز از هفت روز هفته را راهپیمایی می‌کنند؛ آن‌هم راهپیمایی‌هایی که به‌امر زکزی از مساجد اهل تسنن آغاز می‌شود و هرروز شهید و مجروح دارد و خسته نمی‌شوند. ما یک کار ساده یا یک تجمع اگر انجام دهیم، خسته می‌شویم و تا مدت‌ها کار دیگری نمی‌کنیم. حالا خدا زکزی و نیروهایش را بهشت ببرد یا به حکومت امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) برساند و در عین حال ما را هم برساند؟! این عادلانه نیست.

هیچ مصلحتی مهم‌تر از عدالت نیست و عدالت خواهی هم افشاگری نیست

عدالت خواهی اگر مصالحی مثل حفظ نظام و اخلاق را با خود به‌همراه نداشته باشد، اساساً عدالت خواهی نیست. عدالت خواهی بدون حساب کردن

این نکات، خودش ظلم است. البته هیچ مصلحتی هم مهم‌تر از عدالت نیست. باید به این ملاحظه‌ها توجه کرد؛ اما نباید جواری آن را عمده کرد که افراد از مطالبه‌گری بازمانند. این بهانه که عده‌ای از عدالت سوءاستفاده کرده یا منحرف شده‌اند، دلیل نمی‌شود که مطالبه‌گری را سخت کنیم. باید توجه کرد که عدالت‌خواهی، افشاگری نیست؛ بلکه ایجاد تغییر به نفع از بین بردن نابرابری‌هاست. البته باید یک‌جایی هم در چهارچوب قانون افشاگری کرد، یک‌جایی سروصدا ایجاد کرد، یک‌جایی با مردم و مسئولان صحبت کرد، یک‌جایی پویش درست کرد، یک‌جا هم مثل ماجرای سیل باید آستین بالا زد.

خیلی از حرف‌هایی که به نام مصلحت بیان می‌شود، حرف مفت است

خیلی از حرف‌هایی که به نام مصلحت و برای جلوگیری از عدالت بیان می‌شود، حرف مفت است. مصلحت مهم این است که ما به مردم نشان بدهیم که اگر در جمهوری اسلامی فساد و ناکارآمدی وجود دارد، اصلاح‌شدنی است و همان کسانی دنبال این اصلاح هستند که طرفدار اصلی این نظام بوده و حزب‌اللهی و بسیجی هستند. فیلم‌های هالیوود را ببینید. آن‌ها در فیلم‌هایشان نمی‌گویند در آمریکا فساد نیست؛ بلکه می‌گویند سیستم این فساد را اصلاح می‌کند یا قهرمان‌هایی هستند که دست‌درست سیستم و هم‌جهت با آن جلوی فساد را می‌گیرند.

بهانه‌هایی برای کار نکردن

هرکسی نمی‌خواهد در این مملکت کار کند، توجیهی برای آن درست می‌کند: عده‌ای مدام به پیچیدگی‌ها و ملاحظه‌ها می‌افزایند؛ عده‌ای بهانه می‌آورند که باید کار ریشه‌ای کرد؛ عده دیگری می‌گویند نظام فاسد است؛ عده‌ای می‌گویند آقا نمی‌خواهد؛ عده دیگری قانون را بهانه می‌کنند؛ عده‌ای خلأ تئوریک را بهانه می‌کنند؛ عده‌ای عدالت‌خواهی را پازل دشمن معرفی می‌کنند. اما قرآن به ما می‌گوید مؤمنان برای

مبارزه در راه خدا منتظر اجازه نمی‌مانند و کسانی که از این دست بهانه‌ها می‌آورند، اگر راست می‌گفتند، زمینه و آمادگی مبارزه را در خود ایجاد می‌کردند:

«لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ
وَاللَّهُ عَلَيْهِم بِالْمُتَّقِينَ. إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ
از تَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ. وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَ
لَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاتِهِمْ فَتَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ»؛

یعنی «کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند، از تو اجازه نمی‌گیرند که در راه خدا با اموال و جان‌هایشان مبارزه کنند، و خداوند به خودنگه‌داران، بسیار و همیشه داناست. همانا فقط کسانی از تو اجازه می‌گیرند که به خدا و روز قیامت ایمان نیاورده‌اند و قلب‌هایشان شک‌آلودست و آنان بین شک‌شان در رفت‌وآمد هستند. و اگر می‌خواستند [برای مبارزه در راه خدا] خارج شوند، برای آن سازوبرگ و توشه‌ای آماده می‌کردند، ولی خداوند از برانگیخته شدن آنان کراهت داشت و گفت با عقب‌نشستگان [از مبارزه] بنشینید.»^{۱۰۱}

تفکر شیعی به ما می‌گوید به هر میزان که می‌توانیم و مقدور است، برای تحقق عدالت تلاش کنیم. ما باید لوازم کار و مبارزه را ایجاد کنیم و وارد میدان مبارزه شویم تا «عدالت مقدور» به وسیله ما یعنی انسان‌های غیرمعصوم محقق شود. یک عدالت نهایی و آرمانی هم داریم که کار معصوم است. ما همین میزان مقدور را باید انجام دهیم تا زمینه عدالت نهایی فراهم شود؛ **إِنْ شَاءَ اللَّهُ.**

پی نوشت‌ها:

۱. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۲)، جهاد اکبر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول، صص ۱۸ و ۱۹؛
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۳)، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ چهارم، ص ۴۵۷؛
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول، صص ۵ و ۶؛ همان، ج ۱۳، ص ۵۱۰؛ همان، ج ۱۶، صص ۲۱۹ و ۲۲۰؛ همان، ج ۱۹، ص ۳۴؛
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۳)، تفسیر سوره حمد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ هشتم، صص ۱۴۰ تا ۱۴۱؛
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۸)، دیوان امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول، صص ۲۲۴، ۲۲۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۲ و ۲۷۵.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: انتشارات صهبا، چاپ اول، ۱۳۹۲، فصل ۱۰ و ۱۱.
۳. منظور از سکولاریسم (Secularism)، جدایی دین از سیاست است.
۴. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، ج ۵، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ص ۵۹.
۵. تبسمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ اول، ص ۳۴۲.
۶. همان، ص ۶۹.
۷. همان، ص ۱۵۴.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ص ۴۸۹.
۹. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ ق)، مجموعه ورام، ج ۲، قم: مکتبه فقیه، چاپ اول، ص ۱۱۹.
۱۰. گرداننده قلب‌ها.
۱۱. «همانا کسانی که ایمان آوردند و به همه کارهای نیک عمل کردند، پس خداوند برای آنان محبت (در قلوب مردم و بین قلوب خودشان) قرار می‌دهد.» (قرآن کریم، سوره مریم، آیه ۹۶)
۱۲. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۲)، جهاد اکبر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول، ص ۲۵.
۱۳. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول، ص ۱۲۱.
۱۴. قرآن کریم، سوره روم، آیه ۴۷.
۱۵. بیانات رهبر انقلاب در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶، (۱۳۹۲/۱۰/۱۹).
۱۶. قرآن کریم، سوره حج، آیه ۴۰.
۱۷. همان، آیه ۴۸.
۱۸. همان، سوره انفال، آیه ۶۵.
۱۹. همان، سوره آل عمران، آیه ۱۱۱.
۲۰. همان، سوره فتح، آیه ۲۲.
۲۱. همان، سوره توبه، آیه ۵۲.
۲۲. بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۰)، جاودانه تاریخ: آشنایی با افکار و اندیشه‌های شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی: گفتارها، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، چاپ اول، صص ۳۲ و ۳۳.
۲۳. مسعود رجوی، مسئول سازمان ترویستی «مجاهدین خلق».

۲۴. حزب توده، مهم‌ترین حزب کمونیست در تاریخ ایران است. این حزب از دهه ۱۳۲۰ شروع به فعالیت کرد و تا سال ۱۳۶۲ که خیانت و توطئه‌اش آشکار و فعالیت آن متوقف شد، در حال نقش‌آفرینی با اندیشه‌های مارکسیستی و پشتیبانی اتحاد جماهیر شوروی بود. (۱۹۱۷-۱۹۹۱ م)

۲۵. شیرعلی نیا، جعفر (۱۳۷۹)، روایتی از زندگی و زمانه آیت‌الله بهشتی، تهران: نشر سایان، چاپ اول، ص ۲۷۲.

۲۶. عطاءالله مهاجرانی، معاون رئیس دولت سازندگی و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت اصلاحات بود. در دوران وی، مطبوعات زنجیره‌ای و حمله به ارزش‌ها در عرصه‌های هنر، ادبیات، کتاب و رسانه گسترش یافت. وی بعدها از ایران گریخت و در رسانه‌های ضدانقلاب و بیگانه مشغول تخریب جمهوری اسلامی شد.

۲۷. ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»، (۱۳۹۲/۱۱/۳۰).

۲۸. بیانات رهبر انقلاب در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در حضور جمعی از مسئولان دستگاه‌های مختلف، فعالان اقتصادی، و مدیران مراکز علمی و رسانه‌ای و نظارتی، (۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

<http://ghiam.ir/?p=1090>. ۲۹

۳۰. رابین‌هود، شخصیتی داستانی است که بعدها پویانمایی‌ها و فیلم‌های متعددی درباره آن ساخته شد. او از ثروتمندان دزدی می‌کرد و به فقرا کمک می‌کرد. تعبیر «اقتصاد رابین‌هودی»، به‌وسیله افرادی نظیر سیدمجدد حسینی، مشاور محمدباقر قالیباف و علی لاریجانی، رئیس وقت مجلس، برای نقد عدالت‌خواهی استفاده شد.

۳۱. تعبیری که طرفداران نظام سرمایه‌داری به جریان عدالت‌خواهی نسبت می‌دهند.

۳۲. منظور، یکی کردن عدالت‌خواهان با امثال «مجاهدین خلق» بود که از جانب کسانی مثل محمد قوچانی، نویسنده و سردبیر روزنامه‌های زنجیره‌ای، به عدالت‌خواهان نسبت داده می‌شد.

۳۳. خوارچ، متحجرانی بودند که علیه امیر مؤمنان (علیه‌السلام) قیام کرده و جنگ نهران را ایجاد کردند. تطبیق عدالت‌خواهان با خوارچ و دوگانه‌سازی میان «عدالت‌خواهی» و «ولایت‌مداری» و میان «عدالت‌خواهی» و «حفظ امنیت کشور»، اقدامی بود که از جانب برخی منبری‌ها و محافظه‌کاران، برای نفی عدالت‌خواهی انجام شد.

۳۴. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، ج ۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول، صص ۴۸۸ و ۴۸۹.

۳۵. همان، ج ۲۱، ص ۸۶.

۳۶. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۸۵.

۳۷. منظور از تجدیدنظرطلبان، گروه‌ها و افرادی هستند که به دنبال تجدیدنظر در اصول انقلاب نظیر مقاومت علیه استکبار جهانی، انقلابی‌گری، ارزش‌های فرهنگی و... هستند.

۳۸. «Liberalism» به معنای اصالت‌دادن به اباحه‌گری (مباح‌دانستن همه چیز) است و نتیجه آن کاهش مسئولیت‌های حکومت و افراد در قبال هنجارهای مختلف اجتماعی است.

۳۹. اتاق بازرگانی در اصل اتحادیه واردکنندگان و صادرکنندگان بود که در دوره پهلوی شکل گرفت. با طرح اصلاح تولید داخل که با پشتوانه دولت مهرورزی و مجلس نهم صورت گرفت، در جایگاه نماینده بخش خصوصی قرار گرفت و با وجود آنکه ذی‌نفع بود، در بیش از ۹۰ نهاد تصمیم‌گیری اقتصادی مسئولیت پیدا کرد. بسیاری از چهره‌های اقتصادی اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان، برآمده از اتاق بازرگانی هستند یا با آن و اقرار رسانه‌ای‌اش همکاری می‌کنند؛

نظیر حبیب‌الله عسکراولادی (دبیرکل فقید حزب مؤتلفه اسلامی و دبیر جبهه پیروان خط امام و رهبری) و برادرش اسدالله، یحیی آل‌اسحاق (عضو هیئت مؤسس و شورای مرکزی جبهه مردمی نیروهای انقلاب)، محمد نهایندیان (رئیس دفتر رئیس جمهوری در دولت یازدهم و معاون اقتصادی رئیس جمهوری در دولت دوازدهم)، عباس آخوندی (وزیر راه، مسکن و شهرسازی دولت‌های سازندگی و تدبیرو امید)، مسعود نیلی (معاون اقتصادی سازمان برنامه و بودجه در دولت‌های جنگ، سازندگی و اصلاحات و مشاور رئیس دولت یازدهم و دوازدهم در امور اقتصادی) و ...

۴۰. علی‌اکبر ناطق‌نوری از چهره‌های اصلی جناح راست (که بعدها اصول‌گرایان نام گرفتند)، رئیس مجلس چهارم و پنجم و مسئول سابق بازرسی بیت رهبری بود. در سال ۷۶ او به‌عنوان کاندیدای جناح راست وارد انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری شد و تداوم سیاست‌های دولت هاشمی را و جبهه همت خود کرد. جناح راست، تلاش می‌کردند تا او را گزینه نظام و رهبری معرفی کنند. او در آن دوره در رقابت با سیدمحمد خاتمی که خود را منتقد سیاست‌های هاشمی به‌ویژه در اقتصاد معرفی می‌کرد، شکست خورد. بعدها در انتهای دهه هشتاد با سیدمحمد خاتمی و اکبر هاشمی‌رفسنجانی نزدیک‌تر شد.

۴۱. تعابیر «چپ‌ارزشی» و «خط‌امامی»، به‌گروه سنتی جناح چپ اشاره می‌کند. بعدها «جبهه دوم خرداد» و سپس «اصلاح‌طلبان» نام گرفتند و مواضع آن‌ها به گروه‌های مدرن جناح چپ نزدیک شد. این طیف از اصلاح‌طلبان، مدعی هستند که به شعارهای عدالت‌خواهانه، استکبارستیزانه و انقلابی جناح چپ در دهه شصت وفادارند. «مجمع روحانیون مبارز» (تشکل روحانی محوری اصلاح‌طلبان) در دهه هفتاد چنین مواضعی داشت.

۴۲. «مجمع روحانیون مبارز»، بخشی از اعضای سابق «جامعه روحانیت مبارز» (تشکل روحانی محوری جناح راست) هستند که در سال ۶۷ و پس از اختلاف نظر با آن‌ها، جدأ شدند. چهره‌هایی مثل مهدی کروبی، مجید انصاری، سیدعلی‌اکبر محشمی‌پور، سیدمحمد موسوی‌خوئینی‌ها و سیدمحمد خاتمی، از اعضای اصلی آن بودند.

۴۳. منظور از «چپ مدرن»، گروه‌هایی از اصلاح‌طلبان بودند که به تغییر در شعارهای دهه شصت جناح چپ پرداخته و لیبرالیسم و دموکراسی خواهی در فضای سیاسی و فرهنگی، و جبهه همت‌شان بود.

۴۴. «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» به‌عنوان بنیان‌گذار جناح چپ از دهه شصت، مهم‌ترین بخش و تئورسین چپ مدرن بود. چهره‌هایی مثل بهزاد نبوی، مصطفی تاج‌زاده، سعید حجاریان، فیض‌الله عرب‌سرخی و محسن آرمین، از عناصر اصلی آن بودند.

۴۵. «جبهه مشارکت ایران اسلامی» بعد از پیروزی سیدمحمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری به‌وسیله بخش‌های جوان‌تر جناح چپ که عمدتاً در دهه شصت در دفتر تحکیم وحدت انجمن‌های اسلامی عضویت داشتند، شکل گرفته بود. تنش‌زدایی در سیاست خارجی، لیبرالیسم سیاسی و فرهنگی، سوسیالیسم اقتصادی که بعدها سرمایه‌داری جای آن را گرفت، از عناصر اصلی گفتمان جبهه مشارکت بود. سیدمحمدرضا خاتمی، برادر رئیس جمهوری وقت، اولین دبیرکل آن بود و بعدها محسن میردامادی که اولین دبیر دفتر تحکیم وحدت بود، جایگزین وی شد. جبهه مشارکت، به‌مثابه فراگیرترین و تشکیلاتی‌ترین حزب بعد از انقلاب، بعد از یک دهه فراز و فرود، با برهم‌زدن نظم عمومی در سال ۸۸، منحل شد.

۴۶. منظور از «راست مدرن»، نیروهای برآمده از جناح راست در دولت هاشمی‌رفسنجانی بودند که به‌سمت ارزش‌های مدرنی مثل تنش‌زدایی در سیاست خارجی، لیبرالیسم و سرمایه‌داری گرایش داشتند. هاشمی‌رفسنجانی و اکثر مدیران دولت او، جزء چهره‌های این جریان به

حساب می‌آمدند.

۴۷. «کارگزاران سازندگی ایران»، حزب طرفداران و مدیران دولت سازندگی بود. غلامحسین کرباسچی، محمدعلی نجفی، حسین مرعشی، فائزه هاشمی رفسنجانی و... از اعضای اصلی آن بودند. این حزب که فرزند معنوی مرحوم هاشمی به شمار می‌آمد، از انتخابات ۱۳۷۶، به‌رغم شعارهای ضدسازندگی اصلاح‌طلبان و نقدشان به هاشمی در آن زمان، با آنان ائتلاف کرد؛ ائتلافی که هنوز پابرجاست.

۴۸. «Michael Moore»، کارگردان و مستندساز معروف آمریکایی است که مستندهایی انتقادی دربارهٔ آمریکا ساخته است. وی در اعتراض به انتخاب هیلاری کلینتون به‌جای برنی سندرز در حزب دموکرات برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا، اعلام کرد که ما برای مقابله با ترامپ به هیلاری کلینتون رأی می‌دهیم اما رأی سرد، به این معنا که انگیزه‌ای برای رأی جمع‌کردن و به جوشش درآوردن اجتماع نخواهیم داشت.

۴۹. «جبهه مردمی نیروهای انقلاب» که محور وحدت اصول‌گرایان در انتخابات دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری (۱۳۹۶) بود.

۵۰. «شورای هماهنگی نیروهای انقلاب»، سازوکار وحدت اصول‌گرایان در ابتدای دههٔ هشتاد با محوریت علی‌اکبر ناطق‌نوری بود.

۵۱. قرآن کریم، سورهٔ حدید، آیهٔ ۲۵.

۵۲. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غرالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم، چاپ اول، ص ۳۳۱.

۵۳. مجلسی، محمدباقربن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، بحارالأنوار، ج ۴۴، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ص ۳۳۵.

۵۴. همان، ج ۱۰، ص ۳۵۱.

۵۵. خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ ق)، کتاب‌البيع، تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول، ص ۶۳۳.

۵۶. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غرالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم، چاپ اول، ص ۳۴۰.

۵۷. همان.

۵۸. همان.

۵۹. همان.

۶۰. همان، ص ۳۴۷.

۶۱. همان.

۶۲. مجلسی، محمدباقربن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، بحارالأنوار، ج ۷۵، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ص ۸۳.

۶۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ج ۲، ص ۱۴۴.

۶۴. همان، ص ۱۴۶.

۶۵. همان، ص ۱۴۷.

۶۶. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غرالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم، چاپ اول، ص ۴۵۵.

۶۷. بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به‌مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، (۱۳۹۲/۰۸/۱۲).

۶۸. بیانات رهبر انقلاب در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی،

(۱۳۹۷/۰۷/۱۲).

۶۹. «زمینه‌ها برای روی کار آوردن یک دولت جوان و حزب‌اللهی آماده کنید.» (بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۸/۰۳/۰۱)
 ۷۰. شهزادی، محمدصادق (۱۳۹۷)، «"انقلابیگری"» لازمه تحقق گام دوم انقلاب، پرونده گام دوم سایت رهبری انقلاب:

<http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=41755>

۷۱. حیدر رحیم‌پور ازغدی، روحانی و مبارز انقلابی اهل مشهد است. او از نهضت ملی نفت تاکنون، جزء چهره‌های اصلی حرکت‌های انقلابی مشهد مثل انجمن پیروان قرآن، کانون نشر حقایق اسلامی، مسجد کرامت و... بوده است. در انقلاب اسلامی نیز یکی از نیروهای مرکزی انقلاب در مشهد به شمار می‌رفته است. در طول دهه‌های هفتاد و هشتاد، یکی از مؤثرترین افراد در شکل‌گیری گفتمان عدالت‌خواهی در کشور بود. او با سخنرانی‌ها، نوشتن یادداشت‌ها و نامه‌های جنبجالی مثل «لبه تیغ» و «پرده افکنند عروس بهروز» و محوریت در مجموعه‌هایی نظیر «انجمن طلاب و دانشجویان مشهد مقدس»، «مجمع مطالبه مردمی مشهد مقدس» و «جنبش عدالت‌خواه دانشجویی»، بخش عمده‌ای از این حرکت‌ها را هدایت کرد. وی پدر شهید است و حسن رحیم‌پور ازغدی، روحانی سخنران و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، یکی دیگر از فرزندان اوست. او با وجود کهولت سن و رنج‌بردن از سه سرطان عمده، کماکان به حرکت‌های انقلابی خویش ادامه می‌دهد. همچنین در کنار این فعالیت‌ها، تا چند سال پیش شخصاً کشاورزی نیز می‌کرد. (تلخ‌ترین نوشته من) و «پشت دره قاف: نقدی بر شورای عالی انقلاب فرهنگی»، مهم‌ترین آثار مکتوب اوست.

۷۲. مصطفی احمدی‌روشن، معاون بازرگانی سازمان انرژی اتمی بود که در سال ۱۳۹۱ ترور شد. وی که از فعالان دانشجویی دهه هفتاد به شمار می‌رفت، ضمن نقش‌آفرینی‌های مهم دانشجویی، در فعالیت‌هایی نظیر پشتیبانی موشکی از مقاومت، اصلاح طراحی پژو در ایران‌خودرو، خودکفایی صنعت هسته‌ای، ورود نیروهای انقلابی به صنعت هسته‌ای، دوزدن تحریم‌ها، تأسیس مرکز غنی‌سازی فردو و مقابله با خرابکاری‌های داخلی و خارجی در صنعت هسته‌ای، نقش مهمی ایفا کرد. گمنامی، تلاش شبانه‌روزی برای پاسخ‌گویی به نیازهای نظام و بن‌بست‌شکنی، جزء ویژگی‌های او بود. جلد ۲۲ از مجموعه کتاب «یادگاران» انتشارات روایت‌فتح و همچنین مقاله «مصطفی احمدی‌روشن، نماد پیگیری تخصصی مسائل نظام» (<http://ghiam.ir/?p=1244>). تصویری از اقدام‌های او به دست می‌دهد.

۷۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، ج ۲، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ص ۲۹۸.

۷۴. حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد و علی حکیمی (۱۳۸۰)، الحیاء، ج ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ص ۵۸۵.

۷۵. ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن‌علی (۱۳۶۳)، تحف‌العقول، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ص ۳۲۱.

۷۶. «حزب‌اللابی» تعبیری بود که وحید جلیلی در مقاله «رقص شمشیر راهزنان و استقامت در کاروان جمهور» برای توضیح حزب‌اللهی‌نماهای اصول‌گرا که به بهانه پیگیری اصول و ارزش‌ها، به دنبال لابی و سیاست‌بازی هستند، در توضیح انتخابات ۹۶ مطرح کرد:

<https://www.teribon.ir/archives/329370>.

<https://t.me/jomhour>.

۷۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، ج ۲، دارالکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ص ۳۰۸.

۷۹. قرآن کریم سوره محمد، آیه ۷.
۸۰. بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان (۱۳۸۳/۰۸/۱۰).
۸۱. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۸۵.
۸۲. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۷۶)، الأملی، تهران: کتابچی، چاپ ششم، ص ۲۰۱.
۸۳. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ق)، تفسیر نورالثقلین، ج ۲، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، صص ۲۵۳ و ۲۵۴.
۸۴. مجاهدان حزب الله در میانه جنگ ۳۳ روزه در سال ۱۳۸۵ شمسی، نامه‌ای به رهبر مقاومت، سیدحسن نصرالله، نوشتند. سیدحسن در پاسخ به نامه آن‌ها، نامه‌ای مسجع با شروع اجبانی (دوستان من) نوشت. جولیا پطروس، خواننده مسیحی لبنانی، در حمایت از حزب الله، نامه سید حسن را تبدیل به ترانه‌ای معروف به نام «اجبانی» کرد و در کنار آن با خواندن قطعه‌هایی مثل «وین العرب» (عرب کجای این معرکه است؟)، به حمایت از مقاومت علیه اسرائیل همت گماشت.
۸۵. بعد از تجربه خوب جلیلی در این مسئولیت بازگشت او به وزارت خارجه، «دفتر بررسی بیت رهبری» به «معاونت بررسی‌های بیت رهبری» ارتقاء یافت.
۸۶. قرآن کریم، سوره یونس، آیه ۳۶.
۸۷. بیانات رهبر انقلاب در دیدار استادان و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، (۱۳۸۷/۰۲/۱۴).
۸۸. بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان، (۱۳۸۳/۰۸/۱۰).
۸۹. چند برابر.
۹۰. پیام رهبر انقلاب به مناسبت دومین همایش جنبش دانشجویی، (۱۳۸۱/۰۸/۰۶).
۹۱. بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان بسیجی، (۱۳۸۴/۰۳/۰۵).
۹۲. کنوانسیون آب‌وهوایی پاریس با تأکید بر ضرورت کنترل مصرف CO₂، کشورها را به کاهش مصرف سوخت فسیلی متعهد می‌کند. در نتیجه کشورهایی با فناوری نه‌چندان پیشرفته، مجبور به تعطیلی تولید خود هستند.
۹۳. قرار بود ذیل قرارداد با شرکت یونیت، ساخت و بهره‌برداری نیروگاه‌ها با ضمانت‌هایی ویژه به شرکتی ترکیه‌ای واگذار شود. در حالی که در داخل کشور، ظرفیت این کار و حتی مزیت رقابتی با سایر دنیا را در مجموعه‌هایی نظیر مپنا داریم. این توافق با اعتراض‌های جوانان انقلابی، منتفی شد.
۹۴. «IIPC»، نام توافق‌های جدید نفتی بود که قرار بود با امتیازهای بی‌جا به شرکت‌های نفتی بزرگ خارجی انجام شود. اعتراض‌های جوانان انقلابی موجب چندین مرحله اصلاح در این توافق‌ها شد. البته در نهایت این قراردادها اجرایی شد و با شروع دوباره تحریم‌ها، شرکت‌هایی مثل TOTAL از ایران خارج شدند و این توافق‌ها ناکام ماند.
۹۵. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا.
۹۶. United Kingdom Independence Party.
۹۷. کنترل کشور را دوباره در دست بگیرد.
۹۸. عبدالملک ریگی، رهبر گروه تروریستی «جیش العدل» بود که در استان سیستان و بلوچستان نامانی ایجاد کرده بود. وجود تبعیض‌های منطقه‌ای و استضعاف، موجب شده بود تا این جریان‌ها فرصتی برای جذب برخی برادران بلوچ پیدا کنند.
۹۹. <https://foia.iran.gov.ir/>
۱۰۰. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول، ص ۴۳۶.

